



جمهوری اسلامی ایران  
مجلس شورای اسلامی

شماره ۳۴۰۰

تاریخ ۷/۱۱/۱۳۶۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اداره کل سرخانه شورای نگهبان  
شماره ۱۰۳۰۷  
تاریخ ۱۳۶۶/۱۱/۰۸

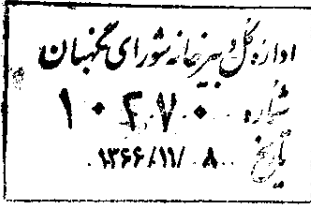
شورای محترم نگهبان

لایحه شماره ۱۰۱۲۱۲ مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۲۷ دولت در خصوص اصلاح قوانین آئین دادرسی کیفری و اصلاحات و ملحقیات آن که بنا بر تصمیم مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۷ تصویب آن طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی به کمیسیون امور قضایی و حقوقی تفویض شده بود تا پس از تصویب و پیشنهاد مدت اجرای آزمایشی تقدیم مجلس شورای اسلامی گردد ، در جلسه روز سه شنبه مورخ ۱۳۶۶/۸/۱۴ با اصلاحاتی در عنوان و متن بتصویب کمیسیون مذکور رسید و در جلسه علنی روز یکشنبه ۱۳۶۶/۹/۲۲ با ۵ سال مدت آزمایشی آن موافقت گردید که در اجرای اصل نود و چهارم قانون اساسی جهت بررسی و اظهار نظر آن شورای محترم به پیوست ارسال میگردد . / ن

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی

۶۵



## تعلیه

### لایحه آئین دادرسی کیفری

- ماده ۱ - آئین دادرسی کیفری مجموعه اصول و قواعد و ترتیباتی است که برای کشف و تحقیق جرائم و تعقیب و تعیین مسولیت مجرمین و اجرای احکام جزائی و وظائف و اختیارات مقامات قضائی بر اساس قوانین و مقررات اسلامی وضع شده است .
- ماده ۲ - جرم ممکن است دارای دو جنبه باشد .
- اول - جنبه الهی و عمومی ، که تعدی به حدود الهی و حقوق عمومی و اخلال در نظم است .
- دوم - جنبه خصوصی از آن جهت که راجع به تضرر شخص یا اشخاص یا قوم و گروه معینی است جرمی که دارای دو جنبه است ، موجب دو ادعا می شود .
- الف - ادعای عمومی برای حفظ حدود الهی و حقوق عمومی و نظم .
- ب - ادعای خصوصی برای مطالبه حق یا ضرر و زیان شخصی یا قومی و گروهی .
- ماده ۳ - اقامه دعوی و تعقیب مجرم یا متهم از جنبه الهی و عمومی بر عهده دادسرا است و اقامه دعوی از جنبه حقوقی با مدعی خصوصی است ، مستثنیات این ماده در مواد آئینده ذکر می شود .
- ماده ۴ - جرائم از جنبه الهی و عمومی دو نوع است .
- ۱ - جرائمی که جنبه الهی و عمومی آن دارای اهمیت مخصوص است .
- ۲ - جرائمی که اهمیت آن از حیث نظام کشوری و آسایش عامه به درجه جرائم نوع اول نمی رسد .
- ماده ۵ - در جرائم نوع اول اقامه دعوا و تعقیب بر عهده دادستان است ، چه شاکی خصوصی اقامه دعوا کرده یا نکرده باشد در جرائم نوع دوم دادستان اقامه دعوا و تعقیب نمی نماید مگر اینکه شاکی شکایت کرده یا مرجع یا مقامی که تعقیب موکول به درخواست یا اجازه اوست ، این تقاضا را نموده یا این اجازه را داده باشد .
- ماده ۶ - حفظ حقوق عمومی و تعقیب امر جزائی فقط نسبت به مرتکب جرم و کسانی خواهد بود که شرکت یا معاونت در آن جرم داشته اند .
- ماده ۷ - تعقیب امور جزائی که طبق قانون شروع شده ، موقوف نمی شود مگر در موارد ذیل .
- اول - بواسطه فوت متهم یا مقصر .
- دوم - در صورت گذشت شاکی یا مدعی خصوصی ، در مواردی که گذشت شاکی موجب موقوف شدن تعقیب است .

## تعلیه

- سوم - در مورد عفو عمومی .
- چهارم - در صورتیکه قانون لاحق عمل سابق را جرم ندانسته یا قابل مجازات نداند.
- ماده ۸ - چنانچه تعقیب کیفری به جهتی از جهات قانونی موقوف شود رسیدگی به دعوی مدعی خصوصی راجع به مطالبه دیه با دادگاه کیفری است .
- ماده ۹ - در مواردیکه تعقیب جزائی با گذشت مدعی خصوصی موقوف می شود هرگاه مدعی خصوصی پس از صدور حکم قطعی گذشت نماید اجرای حکم موقوف می گردد و چنانچه قسمتی از حکم اجراء شده باشد بقیه آن موقوف میماند و آثار حکم مرتفع میگردد .
- ماده ۱۰ - شخصی که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان می شود و به تبع ادعای دادستان مطالبه ضرر و زیان میکند مدعی خصوصی است و مادام که دادخواست ضرر و زیان تسلیم نکرده، شاکی خصوصی نامیده می شود .
- ضرر و زیانهای مادی که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل می شود در دادگاه کیفری قابل مطالبه است .
- تبصره - به ادعای خصوصی تا زمانی که متضمن جرم نباشد در دادگاه کیفری رسیدگی نخواهد شد .
- ماده ۱۱ - هرگاه قبل از صدور حکم محکمه مجرم یا متهم فوت شود، ادعای خصوصی بجای خود باقی خواهد بود اسقاط حقوق عمومی به جهتی از جهات قانونی موجب اسقاط حقوق خصوصی نمی شود .
- ماده ۱۲ - همبینه متهم به جهتی از جهات قانونی تحت تعقیب قرار گرفت، متضرر از جرم میتواند کلیه دلائل و مدارک خود را اعم از اصل یا رونوشت به ما مور تعقیب تسلیم کند که ضمیمه پرونده شود و نیز میتواند تا آخرین جلسه دادرسی تسلیم دادگاه کیفری کرده و مطالبه ضرر و زیان نماید در این موارد رعایت تشریفات آئین دادرسی مدنی راجع به دادخواست و جریان آن لازم نیست .
- تبصره - پس از صدور کیفرخواست و ارسال آن به دادگاه، دفتر دادگاه مکلف است وقت جلسه دادرسی رابه شاکی یا مدعی خصوصی ابلاغ و در اخطاریه او تصریح نماید در صورتیکه درخواست مطالبه ضرر و زیان دارد می تواند قبل از آخرین جلسه دادرسی تسلیم دادگاه کند . عدم ابلاغ اخطاریه به شاکی خصوصی موجب تجدید جلسه نخواهد شد .
- در این مورد شاکی خصوصی میتواند ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه، دادخواست ضرر و زیان خود را تقدیم کند . و دادگاه با رعایت ماده ۱۴ این قانون به دعوی ضرر و زیان نیز رسیدگی می کند هر چند از رسیدگی به امر جزائی فارغ شده باشد .
- ماده ۱۳ - در صورتیکه دعوی عمومی در دادگاه کیفری منتهی به صدور حکم

## تعالیه

برائت متهم یا قرار موقوفی تعقیب شود دادگاه مزبور مکلف است به دعوای خصوصی در صورت مطالبه نیز رسیدگی کرده و رای صادر نماید .

ماده ۱۴ - هرگاه دادگاه متهم را مجرم تشخیص دهد مکلف است ضمن صدور حکم جزائی حکم ضرر و زیان مدعی خصوصی را نیز طبق دلایل و مدارک موجود صادر نماید . مگر اینکه رسیدگی به ضرر و زیان محتاج به تحقیقات بیشتری باشد که در آن صورت دادگاه حکم جزائی را صادر مینماید پس از آن به ضرر و زیان رسیدگی کرده حکم خواهد داد . در هر حال دادگاه جزائی نمیتواند رسیدگی به دعوای خصوصی را به دادگاه حقوقی احاله کند .

ماده ۱۵ - در صورتیکه دعوی خصوصی ابتدائاً در دادگاه حقوقی مطرح شده باشد دعوی مزبور از حیث ضرر و زیان در دادگاه کیفری رسیدگی نخواهد شد .

ماده ۱۶ - هرگاه کسی ادعای خصوصی در دادگاه کیفری نماید ولی صدور حکم از حیث حقوق عمومی به جهتی از جهات قانونی به تاخیر بیفتد مدعی خصوصی می تواند در باب مطالبه ضرر و زیان خود به دادگاه حقوقی رجوع نماید .

ماده ۱۷ - نسبت به مسائلی که ثبوت تقصیر متهم منوط به آن است مثل مالکیت و ورشکستگی یا اختلاف در اصل نکاح و طلاق مراجع کیفری حق رسیدگی به مسائل مزبور را بدون رعایت تشریفات مربوط به دادخواست مذکور در آئین دادرسی مدنی و خارج از نوبت دارند .

### باب اول

#### کشف جرم و تحقیقات مقدماتی

#### فصل اول - اشخاصی که به کشف و تحقیق جرائم مامورند

ماده ۱۸ - ضابطین دادگستری مامورینی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان و بازپرس یا سایر مراجع قضائی در کشف جرم و بازجوئی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم به موجب قانون اقدام می نمایند و عبارتند از :  
۱- پلیس قضائی .

۲- افسران و درجه داران و افراد شهربانی و راهنمایی و رانندگی و ژاندارمری و پاسداران کمیته های انقلاب اسلامی .

بسم الله تعالی

۳- روسا و معاونین زندان نسبت به جرمی که در زندان اتفاق می افتد .  
۴- مامورینی که بموجب قوانین خاص در حدود وظایف خود ضابط دادگستری محسوبند .

۵- اعضای بسیج مستضعفین در مواردی که شورای امنیت کشور وظایف نیروهای انتظامی یا همکاری با آنها را در محل و زمان معین بعهدہ آنان محول نماید .  
ماده ۱۹- ضابطین دادگستری مکلفند دستورات مقامات قضائی را اجرا نمایند .  
متخلف در دادگاه کیفری دو تعقیب و به انفصال یا محرومیت از یک تا شش ماه از خدمت دولت یا سازمانهای کشوری محکوم خواهد شد .

فصل دوم - در تکالیف ضابطین دادگستری

ماده ۲۰- ضابطین دادگستری همین که از وقوع جرمی مطلع شدند فوراً مراتب را به دادسرا یا دادگاه حقوقی دو مستقل اعلام و تاموقع مداخله دادستان یا بازپرس و جانشین بازپرس کلیه اقدامات لازم را برای حفظ آلات و ادوات و آثار و علائم جرم و جلوگیری از فرار متهم انجام میدهند و نیز تحقیقاتی را که برای کشف جرم لازم باشد ، بعمل می آورند و پرونده مقدماتی را با گزارش مشروح جریان امر ، حسب مورد به یکی از دو مرجع مزبور ارسال میدارند .

تبصره - ضابطین دادگستری مکلفند در هر ماه صورت مشروح پرونده هائی را که ظرف یکماه یا بیشتر از تاریخ تشکیل به هرعلتی تکمیل نگردیده و به مراجع قضائی ارسال نشده است ، با ذکر علت به دادسرا یا دادگاه حقوقی دو مستقل گزارش دهند .  
متخلف به مجازات مقرر در ماده ۱۹ محکوم خواهد شد .

ماده ۲۱- اگرعلامات و امارات وقوع جرم مشکوک باشد و یا اطلاعات ضابطین دادگستری از منابع صحیح نباشد . مسئولین ذیربط قبل از اطلاع به مقامات ، تحقیقات لازم را بعمل آورده و نتیجه تحقیقات خود را به دادستان یا معاون او اطلاع می دهند .  
تبصره - مراد از تحقیقات ضابطین دادگستری در این ماده عبارتست از تفتیش و تفحص واستعلامات شفاهی و نظارت مخفی نسبت به اشخاص مظنون بدون اینکه حق ورود به منزل داشته باشد .

ماده ۲۲- در موارد جرائم مشهوده ضابطین دادگستری مکلفند تا وقتی که دادستان یا بازپرس مداخله نکرده ، کلیه اقدامات لازمه را برای جلوگیری از امحاء اثرات جرم و فرار متهم و هر تحقیقی را که برای کشف جرائم لازم بدانند ، بعمل آورند .



## بسم تعالی

جرم در موارد ذیل مشهود محسوب است .

۱- در صورتیکه جرم در مرئی و منظر مامورین کشف جرائم واقع شده و یا بلافاصله مامورین مزبور در محل وقوع جرم حاضر شده و یا آثار جرم را فوراً پس از وقوع ملاحظه نمایند .

۲- در صورتیکه دونفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده و یا خود مجنی علیه بلافاصله پس از وقوع جرم شخص معینی را مرتکب معرفی نماید .

۳- اگر در موقعی نزدیک به زمان وقوع علامات و آثار واضحه یا اسباب و دلائل جرم در تصرف متهم یافت شود یا تعلق اسباب و دلائل مزبور به متهم محرز شود .

۴- وقتیکه متهم در زمان نزدیکی پس از وقوع جرم قصد فرار داشته یا در حال فرار یا فوراً پس از آن دستگیر شود .

علاوه بر موارد مذکور در فوق در موردی نیز که صاحبخانه ورود ضابطین دادگستری را به خانه تقاضا کند و همچنین در موردی که در غیاب بازپرس یا دادستان می توان علائم و آثار جرم را معدوم نمود ، مامورین مزبور قائم مقام بازپرس واقع شده ، اقدامات و تحقیقات را که فوریت دارد ، بعمل می آورند .

تبصره - در مورد جرائم مشهودی که رسیدگی به آن از صلاحیت دادسرا و دادگاه محل خارج است دادستان و بازپرس محل مکلفند کلیه اقدامات لازم را برای جلوگیری از امحاء اثرات جرم و فرار متهم و هر تحقیقی که برای کشف جرم لازم بدانند ، بعمل آورند و سریعاً نتیجه اقدامات خود را به دادسرا یا دادگاه صالح اعلام دارند .

ماده ۲۳ - ضابطین دادگستری نتیجه اقدامات خود را در مورد ماده قبل و ماده ۲۱ این قانون به اطلاع دادستان می رسانند . در صورتیکه دادستان آن اقدامات را کافی نیافت میتواند تکمیل آنرا بخواهد در این مورد ضابطین دادگستری مکلفند به دستور دادستان هرگونه تحقیقات و اقدامات قانونی برای کشف جرم بعمل آورند ولی ضابطین دادگستری متهم را بیش از ۲۴ ساعت نمی توانند در بازداشتگاه نگاه دارند و هرگاه بازداشت او را بیش از ۲۴ ساعت برای تکمیل تحقیقات لازم بدانند ، فوراً به دادستان اطلاع میدهند ، مشارالیه در صورت اقتضاء اقدام لازم برای بازداشت متهم بعمل خواهد آورد و تکمیل تحقیقات را به ضابط دستور می دهد .

در اخذ سایر تأمینات نیز ضابطین دادگستری نمیتوانند مستقلاً اقدام نمایند و هر وقت لازم بدانند باید به دادستان مراجعه نمایند . همچنین اجراء تفتیش در منازل و جلب اشخاص در غیر از موارد مذکور در ماده ۲۲ باید با اجازه مخصوص دادستان باشد ولو اینکه اجراء تحقیقات بطور کلی از طرف دادستان به ضابط رجوع شده باشد .



## بمقام

ماده ۲۴ - اقدامات ضابطین دادگستری در مسورد دو ماده قبل موافق قواعد و ترتیباتی است که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است .

ماده ۲۵ - ضابط دادگستری بعد از ورود بازپرس یا دادستان تحقیقاتی را که کرده به مشارالیه داده و دیگر مداخله نمی کند مگر اینکه ماموریتی از طرف بازپرس یا دادستان به ضابط دادگستری رجوع شود .

ماده ۲۶ - قواعد مقرر در این قانون راجع به بازپرس یا دادستان شامل رئیس دادگاه حقوقی دو که مستقل است یا قائم مقام او نیز خواهد بود .

### فصل سوم - در حدود اختیارات دادستان و بازپرس

#### مبحث اول - در حدود اختیارات دادستان

ماده ۲۷ - دادستان در اموری که به بازپرس ارجاع میشود حق نظارت و دادن تعلیمات لازمه را خواهد داشت .

ماده ۲۸ - مقامات و اشخاص رسمی در مواردی که باید امر جزائی را تعقیب نمود، مراتب را به دادستان اطلاع می دهند .

ماده ۲۹ - دادستان حق دارد در تحقیقات مقدماتی حضور یابد و نحوه تحقیقات را مشاهده نماید .

ماده ۳۰ - بازپرس در موقع تحقیقات تقاضای قانونی دادستان را اجراء نموده مراتب را در صورت مجلس قید می کند و هرگاه در موقع اجرای تقاضای قانونی دادستان، دچار اشکال شود حتی المقدور آن تقاضا را اجراء نموده در باب اشکال به دادستان رجوع و منتظر حل مشکل می شود .

ماده ۳۱ - بازپرس راسا و یا به تقاضای دادستان میتواند در تمام مراحل تحقیقاتی در موارد مقرر در ماده ۱۲۸ این قانون قرار بازداشت موقت متهم همچنین قرار اخذ تامین و یا تبدیل تامین را صادر نماید .

در صورتیکه بازپرس راسا قرار بازداشت صادر نماید ، مکلف است تا ۲۴ ساعت پرونده را برای اظهار نظر نزد دادستان بفرستد . هرگاه دادستان با بازداشت موافق نبوده و همچنین در موردی که دادستان تقاضای بازداشت کرده و بازپرس با آن موافق نباشد نظر دادستان متبع است . هر وقت علتی که موجب بازداشت بوده مرتفع شده و موجب دیگری برای ادامه بازداشت نباشد . بازداشت با موافقت دادستان رفع خواهد شد . هرگاه متهم موجبات بازداشت را مرتفع دید میتواند از بازپرس رفع بازداشت خود



## بیتعالی

رایخواهد و بازپرس مکلف است ظرف ۵ روز از تاریخ تسلیم درخواست نظر خود را جهت اتخاذ تصمیم نزد دادستان بفرستد . ولی متهم نمی تواند در هر دو ماه بیش از یک مرتبه از این حق استفاده کند در صورت اختلاف بین بازپرس و دادستان در خصوص صلاحیت محلی و صلاحیت دادسرای محاکم نظامی یا انقلاب و همچنین نوع جرم نظر دادستان متبع است .

ماده ۳۲ - در صورتیکه دادستان یا معاون او تحقیقات بازپرس را ناقص ببیند ، میتواند تکمیل آنرا از بازپرس بخواهند ولو اینکه بازپرس تحقیقات خود را کامل بداند .

ماده ۳۳ - جرائمی که در صلاحیت دادگاه کیفری یک است ، دادستان تا قبل از حضور و مداخله بازپرس اقدامات لازم را برای حفظ و جمع آوری دلایل و آثار جرم به عمل می آورد ، و پس از حضور بازپرس نیز می تواند شخصا به رسیدگی ادامه دهد .

در اموری که در صلاحیت دادگاه کیفری دو است دادستان میتواند تحقیقات مقدماتی را بوسیله ضابطین دادگستری تحت نظارت و تعلیمات خود انجام دهد و پس از تکمیل پرونده دادستان در صورتی که موضوع را قابل تعقیب کیفری تشخیص دهد ، پرونده را با صدور کیفرخواست و هرگاه مورد منطبق باماده ۵۶ این قانون باشد ، با بیان ادعای شفاهی در دادگاه مطرح نماید و الاحساب مورد قرار موقوفی یا منع تعقیب ، عدم صلاحیت صادر خواهد کرد . ترتیب تحقیقات مقدماتی و شکایت از قرارهای مذکور همان است که در مورد تحقیقات و قرارهای بازپرس مقرر است . صدور قرار تامین خواسته و اخذ تامین از متهم در این مورد با دادستان است . قرار بازداشت و قرار وثیقه ای که منتهی به بازداشت متهم شود ، ظرف ده روز از تاریخ بازداشت قابل شکایت در دادگاه کیفری دو است مگر اینکه صدور قرار وثیقه قانونا الزامی باشد . در اموری که در صلاحیت دادگاه کیفری دو است ، دادستان می تواند تمام یا قسمتی از تحقیقات مقدماتی را شخصا یا بوسیله دادیاران انجام دهد . تبصره ۱ - دادستان در رسیدگی به جرائم دارای کلیه وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس مقرر است .

تبصره ۲ - کلیه قرارهای دادیار باید با موافقت دادستان یا معاون او باشد ، در صورت اختلاف نظر بین دادستان و دادیار نظر دادستان متبع است .

تبصره ۳ - دادگاه کیفری در صورتیکه تحقیقات را کافی نداند ، راسا به تکمیل آن اقدام و یا دستور تکمیل آنرا با ذکر موارد نقص مستقیما به ضابطین دادگستری یا در صورت اقتضاء به دادسرا میدهد و مراجع مذکور مکلفند تحقیقات و اقدامات مورد نظر دادگاه را انجام و پرونده را اعاده نمایند .

اجرای دستور دادگاه وسیله ضابطین دادگستری در هر حال مانع نظارت قانونی





## مقاله

دادستان نخواهد بود .

تبصره ۴ - بازپرسانی که به مقتضای اجرای ماده ۴۰ قانون آئین دادرسی کیفری اصلاحی سال ۱۳۵۲ به دادیاری تغییرسمت داده‌اند مادام که درست دادیاری باقی هستند از فوق‌العاده قضایی و مزایای مخصوص بازپرسی استفاده خواهند کرد .

ماده ۳۴ - در صورتیکه اطلاعاتی در خارج از حوزه ماموریت دادستان باید جمع آوری شود ، مشارالیه می‌تواند از دادستان محلی که باید تحقیقات در آنجا به عمل آید انجام آن تحقیقات را بخواهد .

ماده ۳۵ - شاکی یا مدعی خصوصی و متهم می‌توانند به جهت یا جهاتی که موجب رد دادرسان دادگاههای کیفری است دادستان یا دادیار را رد و موضوع را کتبا به وی اعلام نماید . در صورت قبول ایراد و نیز در مواردی که دادستان یا دادیار شخصا معتقد به وجود جهت یا جهات رد باشد از رسیدگی امتناع می‌نماید . در صورت عدم امتناع شاکی یا متهم می‌تواند به دادگاه کیفری دو که دادستان یا دادیار نزد آن ماموریت دارد شکایت کند رای دادگاه در این مورد قطعی است .

ماده ۳۶ - دادستان کل کشور حافظ حقوق عامه و ناظر بر حسن اجرای قانون است و ریاست عالی بر دادرسی انتظامی قضات و دادرسهای انقلاب اسلامی ، عمومی و نظامی دارد . عزل و نصب و تغییر محل ماموریت و تعیین مشاغل و ترفیع قضات دادرسهای فوق‌الذکر و دادرسی دیوانعالی کشور با پیشنهاد دادستان کل کشور و تصویب شورای عالی قضائی خواهد بود .

مبحث دوم - در حدود اختیارات بازپرس

ماده ۳۷ - بازپرس وقتی اقدام به تحقیقات مقدماتی می‌نماید که قانونا این حق را داشته باشد .

ماده ۳۸ - بازپرس باید بانهایت بی‌غرضی تحقیقات را انجام داده در کشف اوضاع واحوالی که بر نفع یا ضرر متهم است ، فرقی نگذارد .

ماده ۳۹ - بازپرس مکلف است اقدامات فوری برای جلوگیری از امحاء آثار جرم به عمل آورد و در تحصیل و جمع آوری اسباب و دلایل جرم نباید به هیچ وجه تاخیر نماید .

تبصره - تخلف از این ماده و ماده قبل موجب محکومیت انتظامی از درجه ۳ به بالا است .

ماده ۴۰ - بازپرس میتواند به تحقیقات ضابطین دادگستری رسیدگی کرده و هرگاه تغییری در اقدامات آنان یا تکمیلی در تحقیقات لازم باشد ، بعمل آورد .



## تعمیرات

ماده ۴۱ - درخواست بازپرس را باید ضابطین و مقامات رسمی و ادارات فوراً اجرا نمایند .

ماده ۴۲ - دادستان و همچنین بازپرس میتواند تحصیل اطلاعات یا اجرای تفتیشات یا تحقیق از شاهد یا جمع آوری دلایل و امارات جرم یا هر اقدام دیگری را که برای کشف جرم لازم بداند به ضابط دادگستری با تعلیمات لازمه ارجاع نماید .  
در صورتیکه دادستان یا بازپرس اقدامات مأمورین مزبور را ناقص تشخیص دهد میتواند آن را شخصاً تکمیل کرده و یا دستور تکمیل آنرا بدهد .

ماده ۴۳ - هرگاه در برابر بازپرس حین انجام وظیفه مقاومتی شود میتواند از قوای نظامی و انتظامی استمداد نماید ، قوای مزبور مکلف به انجام تقاضاهستند .

ماده ۴۴ - متهم یا شاکی و مدعی خصوصی میتواند به همان جهت یا جهاتی که موجب رد دادرس است بازپرس را رد و موضوع را کتبا به وی اعلام نمایند . در صورت قبول ایراد و نیز در مواردی که بازپرس شخصاً معتقد به وجود جهت یا جهات رد باشد از رسیدگی امتناع نموده پرونده را نزد دادستان می فرستد .

ماده ۴۵ - در مورد ماده قبل چنانچه بازپرس ایراد را رد نماید به رسیدگی ادامه میدهد در این صورت شاکی و مدعی خصوصی یا متهم می توانند به دادگاه کیفری دو شکایت نمایند ، رای دادگاه قطعی است .

ماده ۴۶ - بازپرس نمی تواند به عذر اینکه متهم مخفی شده است یا معین نیست ، تحقیقات خود را موقوف نماید .

### فصل چهارم - در تحقیقات مقدماتی

#### مبحث اول - در صلاحیت بازپرس

ماده ۴۷ - هر بازپرس فقط در حوزه دادگاهی که در آن مأموریت دارد ، ایفاء وظیفه می نماید .

ماده ۴۸ - بازپرس در صورت وجود جهات قانونی در موارد ذیل شروع به تحقیقات می نماید .

۱- در صورت وقوع جرم در حوزه مأموریت او .

۲- در صورتیکه جرم در حوزه بازپرسی دیگری واقع شده ولی متهم یا مقصر در حوزه او دستگیر یا جرم در حوزه او کشف شده باشد .

۳- وقتیکه متهم یا مظنون به ارتکاب جرم در حوزه او مقیم است ، هر چند جرم

## بیتعالی

در حوزه بازپرس دیگری واقع شده باشد .

ماده ۴۹ - درموردی که جرم خارج از حوزه بازپرس واقع شده ولی در حوزه او کشف یا مرتکب در حوزه او دستگیر شده است ، بازپرس به تقاضای دادستان یا بازپرس حوزه وقوع جرم ، تحقیقاتی را که مقتضای محلی است که متهم در آنجا دستگیر شده است بعمل آورده نتیجه تحقیقات را با خود متهم ( در صورتیکه دستگیر شده باشد ) نزد بازپرسی که در حوزه او جرم واقع شده است ، میفرستد .

ماده ۵۰ - هرگاه جرمی در محلی کشف شود و بازپرس محل کشف نداند که وقوع جرم در کجا بوده به تحقیقاتی که شروع کرده ، ادامه میدهد تا وقتی که تحقیقات ختم یا محل وقوع جرم معلوم شود .

ماده ۵۱ - هرگاه بازجوئی از متهم یا استماع از شهود یا معاینه محل یا بازرسی از منازل و جمع آوری آلات جرم یا تحقیقات محلی و بطور کلی هر اقدام دیگر در محلی که خارج از حوزه بازپرس است ، لازم شود بازپرسی که مشغول رسیدگی است اقدامات مزبور را با ذکر صریح موارد از دادسرای آن محل تقاضا می نماید و آن دادسرا اقدامات و تحقیقات مورد تقاضا را انجام داده و اوراق مزبور را پس از امضاء نزد بازپرس نیابت دهنده اعاده می دهد .

ماده ۵۲ - هنگامی که بازپرس درخواست بازجوئی متهمی را از بازپرس دیگری می نماید می تواند تامین معین کرده و مقرر دارد . تامین مزبور از متهم گرفته شود یا اینکه تامین را به نظر قاضی مرجوع الیه واگذار نماید در هر دو صورت و نیز درموردی که بازپرس تقاضاکننده نظری راجع به تامین اظهار نکرده باشد ، قاضی مرجوع الیه تامین متناسب به نظر خود اخذ خواهد کرد مگر اینکه بازپرس درخواست کننده قرار تامین را راسا صادر و اجرای آنرا تقاضا کرده باشد که باید تامین صادره اجرا شود .

تبصره ۱ - بازپرس میتواند تقاضای تحقیقات یا گرفتن تامین را بشرح ماده قبل و این ماده از رئیس یا دادرس دادگاه حقوقی دو مستقل محلی بنماید که اقدامات مزبور در حوزه او باید بعمل آید .

تبصره ۲ - در مواردی که بازپرس یک حوزه متعدد باشند و یکی از آنها بخواهد به محلی برای تحقیقات یا اقدامات دیگر برود ، هریک از بازپرسان دیگر می توانند در صورت موافقت دادستان از آن بازپرس تقاضا نمایند که در محل مزبور تحقیقاتی را که باید خود آنها بعمل آورند ، انجام دهد .

ماده ۵۳ - تحقیقات مقدماتی باید بقدر امکان سریع باشد لذا روزهای تعطیل مانع از تحقیقات نمی شود .



## بسمه تعالی

ماده ۵۴ - نظارت در تحقیقات به عهده دادستان دادگاهی است که در حوزه مأموریت او تحقیقات بعمل می آید گرچه تحقیقات راجع به امری باشد که خارج از حوزه قضایی او اتفاق افتاده .

ماده ۵۵ - دادستان می تواند در صورت ضرورت انجام بعضی از تحقیقات و اقدامات را از بازپرس درخواست نماید . بدون اینکه رسیدگی امر را بطور کلی به آن بازپرس ارجاع کند .

در این صورت بازپرس فقط تحقیقات و اقدامات مورد درخواست دادستان را انجام می دهد بدون اینکه در اصل موضوع اظهار عقیده نماید .

ماده ۵۶ - در جرائمی که در صلاحیت دادگاه کیفری دو است ، اعم از جرائم مشهود و غیر آن در صورتی که متهم و شاکی حاضر بوده یا در جرائم عمومی که فقط متهم حاضر و شاکی در بین نبوده یا گذشت کرده باشد و تحقیقات مقدماتی هم کامل باشد ، دادستان با اعزام متهم و هدایت شاکی ( در صورت حضور ) به دادگاه ، دعوی کیفری را بلافاصله شفاها در دادگاه مطرح خواهد نمود .

در این مورد دادگاه بدون تاخیر تشکیل جلسه داده و به متهم اخطار خواهد کرد که حق دارد برای تعیین وکیل و تدارک دفاع درخواست مهلت نماید . در این صورت حداقل سه روز به او مهلت داده می شود . این اخطار و جواب متهم باید در صورت مجلس دادگاه قید شود . در صورت درخواست مهلت دادگاه می تواند از متهم تامین اخذ نماید هرگاه متهم از این حق استفاده نکند ، دادگاه در همان جلسه رسیدگی و به صدور حکم مبادرت خواهد نمود و اگر ضمن رسیدگی انجام تحقیقاتی را لازم بداند ، رسیدگی را به یکی از نزدیکترین جلسات خود موکول می کند و یا دستور تکمیل تحقیقات را به دادستان یا ضابطین دادگستری می دهد ، شاکی خصوصی می تواند ظرف پنج روز دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم کند و دادگاه هر چند فارغ از امر جزایی باشد با رعایت ماده ۱۴ این قانون به دعوی ضرر و زیان رسیدگی کرده و حکم مقتضی خواهد داد .

تبصره ۱ - دادگاه به شاکی خصوصی تفهیم می نماید می تواند درخواست ضرر و زیان نماید در صورتیکه تقاضای ضرر و زیان شاکی شفاهی باشد دادگاه نسبت به ضرر و زیان هم رسیدگی و حکم مقتضی صادر خواهد نمود .

تبصره ۲ - در جرائم مشهود که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری ۱ است و همچنین نسبت به سایر جرائمی که در صلاحیت دادگاه مذکور بوده و تکمیل پرونده ظرف ۲۴ ساعت امکان پذیر باشد ، افسران قضایی پلیس قضائی باید کلیه تحقیقات

## بسم الله

و اقدامات لازمه را که جهت تکمیل پرونده ضروریست انجام داده گزارش نهایی را مستقیماً به دادگاه ارسال دارند . در این مورد دادگاه بشرح فوق اقدام خواهد نمود .

مبحث دوم - در مواردی که بازپرس به شروع در تحقیقات مکلف است

ماده ۵۷ - جهات ذیل جهات قانونی برای شروع به تحقیقات محسوب می شود .

۱- ارجاع دادستان .

۲- شکایت یا اعلام جرم به بازپرس در مواقعی که دسترسی به دادستان ممکن نیست و رسیدگی به آن فوریت داشته باشد .

۳- جرائم مشهود در صورتیکه بازپرس شخصا ناظر وقوع آن باشد .

ماده ۵۸ - هرگاه کسی اعلام نماید که خود ناظر وقوع جرمی بوده که دارای جنبه عمومی است ، این اظهار برای شروع تحقیقات کافی است ولو اینکه دلایل دیگر برای اجرای تحقیقات نباشد ، ولی اگر اعلام کننده خودش شاهد قضیه نبوده ، بمحض اعلام نمیتوان شروع به تحقیقات نمود مگر اینکه دلایل صحت ادعا موجود باشد .

ماده ۵۹ - اخطارها و نامه های بی امضاء را نمیتوان مبنای شروع تحقیقات قرارداد مگر آنکه دلالت کند برسوء قصد مهمی که موجب اختلال در نظم و امنیت عمومی است .

ماده ۶۰ - شکایت برای شروع به تحقیقات کافی است . دادستان یا بازپرس نمیتوانند از تحقیقات خودداری نمایند .

ماده ۶۱ - در شکایت باید نکات ذیل قید شود .

۱ - تاریخ و محل وقوع جرم .

۲ - مظنون و مدرک ظن .

۳ - ضرر و زیان حاصل از جرم .

۴ - تعیین مقدار خسارت بطور تخمین ( هرگاه چنین ادعائی بشود ) .

ماده ۶۲ - شکایت کتبی یا شفاهی راهموقت ضابطین دادگستری و دادرها قبول می نمایند و شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضای شاکی میرسد و اگر شاکی نتواند امضاء کند این نکته قید و مطابقت شکایت شفاهی با مندرجات صورت مجلس تصدیق میشود .

ماده ۶۳ - در مواردیکه تعقیب امر جزائی منوط به شکایت شاکی خصوصی است و متضرر از جرم محجور ( صغیر - غیر رشید - مجنون ) بوده و دسترسی به ولی یا قیم محجور نباشد یا مجنی علیه ولی یا قیم نداشته باشد و نصب قیم موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور گردد تا حضور و مداخله ولی یا قیم و یا نصب قیم و همچنین در صورتیکه

## بیتعالی

ولی یا قیم شخصا مرتکب جرم شده یا مداخله در آن داشته باشد، دادستان کسی را بعنوان قیم موقت تعیین می کند و یا شخصا تا دسترسی به ولی یا قیم و یا نصب قیم امر جزائی را تعقیب می نماید و اقدامات ضروری برای حفظ و جمع آوری دلائل جرم و جلوگیری از فرار متهم وسیله دادستان یا بازپرس یا سایر مقاماتی که قانونا مکلف به تعقیب امر جزائی هستند بعمل می آید .

ماده ۶۴ - شاکی حق دارد در حین تحقیقات شهود خود را معرفی و دلائل خود را اظهار نماید و رونوشت صورت جلسه تحقیقات و قرارهای صادره را ( بعد از پرداخت هزینه رونوشت ) بگیرد .

ماده ۶۵ - شاکی میتواند تامین ضرر و زیان خود را بخواهد در صورتیکه تقاضای شاکی مبتنی بر دلائل باشد ، بازپرس را سا قرار تامین خواسته را صادر مینماید .

ماده ۶۶ - در صورتیکه خواسته شاکی عین معین نبود و یا عین معین بوده ، ولی توقیف آن ممکن نباشد ، بازپرس معادل مبلغ ضرر و زیان شاکی از سایر اموال و دارائی متهم توقیف می کند و اگر نقضای تبدیل توقیف اموال متهم به ضامن بشود ، طبق مقررات آئین دادرسی مدنی در فصل تامین خواسته ، بازپرس عمل مینماید قرار تامین به محض ابلاغ بموقع اجراء گذاشته می شود .

ماده ۶۷ - در صورتیکه ثابت شود عرض حال خلاف واقع بوده شاکی غیر محقق علاوه بر تادیبه خسارت طرف ، مخارج تحقیقات را نیز ادای نماید .

ماده ۶۸ - هرگاه بازپرس در اعلام و اخبار ضابطين دادگستری ، دلائل کافی برای اقدام به تحقیقات ندید تکمیل تحقیقات را از آنان میخواهد و مراتب را به دادستان اطلاع میدهد .

ماده ۶۹ - هرگاه بازپرس در حین تحقیقات ، جرم دیگری را کشف نماید که به جرم اول مربوط نیست اقدامات لازم را موافق قوانین برای حفظ آثار و امارات جرم مکشوف و جلوگیری از فرار متهم بعمل آورده و مراتب را به دادستان اطلاع میدهد و پس از اجازه وی به تحقیقات مقدماتی آن جرم می پردازد .

مبحث سوم - در تحقیقات بازپرس

بخش اول - در معاینات محلی

ماده ۷۰ - معاینات محلی مستقیما توسط بازپرس یا اهل خبره بعمل می آید ، در حین معاینات محلی اشخاصی که در امر جزائی شرکت دارند ، میتوانند حاضر شوند ولی بازپرس منتظر آنان نمی شود .



## بِسْمِ اللَّهِ

- ماده ۷۱ - معاینات محلی در روز بعمل می آید با استثنای مواردیکه فوریت دارد .
- ماده ۷۲ - درحین معاینات و تحقیقات محلی. بازپرس تمام آثار و علامات موجود در محل را در نظر گرفته و آنچه را که دیده و کشف کرده در صورت مجلس قید می کند .
- ماده ۷۳ - برای حضور در معاینات و تحقیقات محلی. علاوه بر شهود واقعه، شهود تحقیق از اهل محل دعوت میشوند و در موارد فوری بازپرس میتواند کلیه اشخاصی را که محل وثوق هستند دعوت نماید . در مورد نسوان ، زنان شوهردار برای حضور در معاینات محلی دعوت می شوند .
- ماده ۷۴ - اشخاصی که برای حضور در معاینات و تحقیقات محلی دعوت شده اند ، اگر بدون عذرموجه حاضر نشوند و من به الکفایه نباشند ، به حکم بازپرس جلب میشوند .
- ماده ۷۵ - اهل خبره باید وقتی دعوت شوند که اظهار اطلاع در علمی یا فنی یا معلومات مخصوصه بهاریاب شغل یا کسبی لازم باشد ( مثل پزشک ، داروساز ، مهندس ، مقوم وغیره ) هرگاه اهل خبره بدون عذرموجه حاضر نشوند و من به الکفایه نباشد به حکم بازپرس جلب می شوند .
- ماده ۷۶ - بازپرس هرگاه لازم بداند در موقع تحقیقات توسط اهل خبره حضور خواهد یافت .
- ماده ۷۷ - بازپرس مکلف است سوالات لازمه را از اهل خبره کتبا و شفاهاً نموده در صورت مجلس قید نماید . در صورتیکه بعضی علائم و آثار از نظر بازپرس حائز اهمیت در کشف واقعه بوده ولی به نظر خبره حائز اهمیت نباشد خبره مکلف است به درخواست بازپرس نسبت به آن اظهار نظر نماید .
- ماده ۷۸ - هرگاه اختلافی در نظرات اهل خبره حاصل شود ، یا نظر آنان به اعتقاد بازپرس مشکوک باشد میتواند از اهل خبره دیگری دعوت نماید و یا نظرات اهل خبره را نزد متخصصین علم یافن فرستاده نظر آنان را بخواهد .
- ماده ۷۹ - برای معاینه اجساد و جراحات و آثار و علائم ضرب و صدمات جسمی و روانی و سایر معاینات و آزمایشهای پزشکی بازپرس پزشک قانونی را دعوت می نماید و اگر پزشک قانونی نتواند حاضر شود و یا درجایی پزشک قانونی نباشد پزشک دیگری دعوت می شود . هرگاه پزشک قانونی در امری تخصص نداشته باشد بازپرس میتواند از پزشک منخصص نیز دعوت نماید .
- ماده ۸۰ - بازپرس میتواند در صورت لزوم از چند پزشک دعوت کند که پزشک معالج مستثنی نخواهد بود .
- ماده ۸۱ - تا حضور پزشک ، بازپرس اقدامات لازم را برای حفظ جسد و تحقیقات هویت متوفی و چگونگی فوت و غیره بعمل می آورد .



## بسم الله تعالی

ماده ۸۲ - در صورت اعتراض شاکی یا متهم به نظر خبره مراتب در صورت مجلس قید می شود .

ماده ۸۳ - پزشک باید نظر مکتوب خود را حداکثر ظرف سه روز به بازپرس بدهد .  
ماده ۸۴ - در صورت اختلاف نظر پزشکان یا تناقض نظر پزشک با اوضاع و احوال واقعه ، بازپرس نظر پزشک را نزد متخصصین میفرستد و اشخاص مذکوره بعد از خواستن توضیحات لازم از پزشکی که معاینه نموده ، نظر خود را کتبا به بازپرس میدهند .  
ماده ۸۵ - هرگاه هویت متوفی معلوم نباشد ، بازپرس علائم و مشخصات جسد و اثر انگشت او را دقیقاً در صورت مجلس قید مینماید و در صورت امکان دستور عکسبرداری از آنرا میدهد . سپس برای تشخیص هویت متوفی به روسیلهای که مقتضی بداند اقدام می نماید .

ماده ۸۶ - هرگاه در ضمن تحقیقات بازپرس متوجه شود که متهم در حین ارتکاب جرم مجنون یا مشاعرش مختل بوده است توسط پزشک تحقیقات لازم را بعمل آورده و بعد از استعلام از کسان و اقربای او مراتب را در صورت مجلس قید کرده بیرونده را نزد دادستان میفرستد . دادستان پس از مذاقه در بیرونده هرگاه تحقیقات بازپرس و اهل خبره را کامل دید و از صحت آن مطمئن شد ، تقاضا نامه موقوف شدن تعقیب متهم مجنون به بازپرسی فرستاده و شخص مجنون یا مختل المشاعر را به اداره ذیربط برای اقدام لازم میفرستد و اگر اطمینان به صحت تحقیقات حاصل نکرد ، می تواند تحقیقات اهل خبره دیگر را بخواهد .

ماده ۸۷ - هرگاه آثار مذکور در ماده قبل بعد از صدور کیفرخواست یا در جریان دادرسی کشف شود . تحقیقات و اقدامات ماده مزبور بوسیله دادگاه کیفری بعمل خواهد آمد .

### بخش دوم - بازرسی منازل و اماکن و کشف آلات و ادوات جرم

ماده ۸۸ - بازرسی منازل در مواردی بعمل می آید که بر حسب دلایل کافی بتوان تصور نمود که مرتکب یا اسباب و آلات و یا دلائل جرم را در آن میتوان کشف نمود .

ماده ۸۹ - بازرسی در حضور صاحبخانه و شهود تحقیق بعمل می آید . در صورتیکه صاحبخانه غایب باشد ، در حضور همسر یا بزرگتر خانه بعمل می آید و بازرسی سایر اماکن نیز حتی المقدور با حضور صاحبان یا متصدیان آنها انجام می شود .

تبصره - هرگاه در محلی که از آن بازرسی بعمل می آید کسی نباشد و بازرسی نیز فوریت داشته باشد ، بازپرس میتواند با قید مراتب در صورت جلسه دستور بازکردن محل را بدهد .





## تعالیه

ماده ۹۰ - اشخاصی که در امر جزائی شرکت دارند و شهود تحقیق میتوانند در موقع بازرسی حاضر باشند ، ولی سایر اشخاص نمیتوانند داخل شوند مگر به اجازه صاحبخانه .  
ماده ۹۱ - بازرسی منازل ، روز بعمل می آید و در شب وقتی بازرسی انجام می گیرد که ضرورت اقتضاء کند . جهت ضرورت را بازپرس باید در صورت مجلس قید کند .

ماده ۹۲ - در صورت لزوم بازپرس میتواند دخول به محل بازرسی و خروج از آن محل را ممنوع نماید و برای اجرای این دستور از نیروهای نظامی و انتظامی استفاده کند .  
ماده ۹۳ - در صورتیکه صاحبخانه یا متصدیان سایر اماکن دستور بازپرس را در باز کردن محلها و اشیاء بسته اجرا نکنند بازپرس می تواند دستور باز کردن را بدهد ولی مکلف است حتی المقدور از اقداماتی که باعث تضییع اشیاء می شود احتراز نماید .

ماده ۹۴ - از اوراق و نوشتجات متهم فقط آنچه که راجع به واقعه جرم است ، تحصیل و به شهود تحقیق عنداللزوم ارائه میشود و بازپرس مکلف است که در باب سایر نوشتجات متهم باکمال احتیاط رفتار نموده موجب افشای مضمون نوشتجاتی که راجع به جرم نیست نشود .

ماده ۹۵ - مقامات و مامورین دولتی نمیتوانند از دادن اسباب و آلات جرم به بازپرس امتناع نمایند .

ماده ۹۶ - در مواردیکه ملاحظه و بازرسی نوشتجات متهم یا نامه هائی که بنام متهم توسط ادارات پست یا تلگراف وارد می شود برای کشف جرم لازم باشد بازرسی به ادارات ذیربط اطلاع میدهد که نامه یا تلگراف متهم را توقیف نموده نزد او بفرستند . بعد از وصول نامه یا تلگراف آنرا در حضور متهم باز کرده مراتب را در صورت مجلس قید نموده خود شو متهم امضاء نموده و نامه یا تلگراف را در پیرونده ضبط می نمایند . استنکاف متهم از امضاء در صورت مجلس قید میشود . در صورتیکه نوشتجات مزبور حائز اهمیت نبوده و ضبط آن ضرورت نداشته باشد با اخذ رسید به صاحبش مسترد میگردد .

تبصره - کنترل مکالمات تلفنی در مواردی که برای کشف جرم لازم باشد ، باید با پیشنهاد بازپرس یا دادستان و موافقت رئیس دادگاه کیفری بعمل آید .

ماده ۹۷ - در مواردی که تحصیل اطلاعات درباره نوشتجاتی که از متهم صادر و یا به اسم او وارد می شود از اداره پست و تلگراف لازم شود ، بازپرس می تواند بدون معاینه و تفتیش نوشته را سا از ادارات مزبور کسب اطلاع کند .

ماده ۹۸ - وزارتخانه ها ، ادارات و موسسات و شرکتهای دولتی و وابسته به دولت و نهادها و شهرداریها و مامورین بخدمات عمومی و بانکها و دفاتر اسناد رسمی و سازمان صدا و سیما مکلفند اسباب و آلات جرم و اطلاعات و آن قسمت از اوراق و اسناد و دفاتر یک



## بسم تعالی

مراجعه به آنها برای تحقیق امر جزائی لازم است به درخواست مرجع قضایی رسیدگی کننده به امر کیفری ابراز نموده و در دسترس آنها بگذارند مگر در مورد اسناد محرمانه دولتی که در اینصورت باید با اجازه دادستان کل کشور باشد، متخلف از این ماده محکوم به انفصال موقت از خدمات دولتی از سه تا ششماه خواهد شد .

ماده ۹۹ - هرگاه متهم نوشتجات خود را که موثر در کشف جرم است به وکیل خود یا شخص دیگری سپرده باشد باز پرس میتواند نوشتجات مذکور را حسب مورد در حضور وکیل یا آن شخص معاینه نماید و در صورت استنکاف از ارائه نوشتجات مستنکف به مجازات مقرر برای خلاصی متهم از محاکمه و محکومیت محکوم خواهد شد .

ماده ۱۰۰ - آلات و ادوات جرم از قبیل حربه و اسلحه و اسناد ساختگی و سکه تقلبی و کلیه اشیائی که در حین بازرسی بدست آمده و می تواند موجب کشف جرم یا موجب اقرار متهم به جرم خود باشد باید ضبط شده و در صورت مجلس هر یک از اشیاء مزبور تعریف و توصیف شود .

ماده ۱۰۱ - آلات و ادوات جرم را باید شماره گذاری و مهر و حفظ نمود .

ماده ۱۰۲ - هرگاه دلائل جرم چیزی باشد که نتوان از محل جدا و خارج نمود ، ( مثل خونی که ریخته ) در اینصورت باز پرس باید نسبت به حفظ دلائل مزبور اقدام نماید و اگر لازم باشد محل را قفل و مهر و موم کرده حفاظت آنرا به پلیس یا مستحفظ مخصوص بسپارد .

ماده ۱۰۳ - اشیاء مایع که قابل تجزیه است ، بقدر لزوم تحصیل میشود ، اشیاء مزبور را باید در ظرفی ریخته مهر و موم کرده به قسمی که ضایع یا تفریط نشود ، از اشیاء مایع باید حداقل سه ظرف بعنوان نمونه برداشته شود .

ماده ۱۰۴ - در مقابل اشیاء و آلاتی که تحصیل میشود باید به صاحب آن قبض رسید داده شود . اموال مسروقه یا اشیائی که بواسطه ارتکاب جرم تحصیل شده یا هر نوع مالی که در جریان تحقیقات ضبط گردیده باید به دستور باز پرس یا دادستان به کسی که مال از او به سرقت و یا اخذ شده مسترد شود مگر اینکه وجود تمام یا قسمتی از آنها در موقع بازپرسی یا دادرسی لازم باشد که در اینصورت پس از رفع احتیاج به دستور باز پرس یا دادستان مسترد می گردد . اشیائی که قانونا باید ضبط یا معدوم گردد از حکم این ماده مستثنی است .

مبحث چهارم - در احضار و بازجویی متهم

ماده ۱۰۵ - احضار متهم بوسیله احضاریه بعمل می آید . احضاریه در دو نسخه

تعالی

فرستاده می شود یک نسخه رامتهم گرفته و نسخه دیگر رامضاء کرده به مامور احضار رد می کند .

ماده ۱۰۶ - در احضاریه اسم و شهرت احضار شده و تاریخ و محل حضور و نتیجه عدم حضور باید قید شود .

ماده ۱۰۷ - هرگاه احضار شده سواد نداشته باشد ، مضمون احضارنامه در حضور دونفر شاهد ابلاغ میشود . باقی ترتیبات ابلاغ احضاریه بمنحو مقرر در قانون آئین دادرسی مدنی است .

ماده ۱۰۸ - هرگاه در امر جزائی ابلاغ احضاریه بواسطه معلوم نبودن محل اقامت ممکن نباشد و به طریق دیگری هم ابلاغ احضاریه ممکن نگردد ، موضوع اتهام سه نوبت متوالی در یکی از جرایم یومیه کثیرالانتشار اعلان و پس از انقضای دو ماه از تاریخ آخرین آگهی بازپرس رسیدگی و اظهار عقیده مینماید .

ماده ۱۰۹ - احضار شده باید شخصا حاضر شود و اگر نمیتواند حاضر شود ، باید عذرموجه خود را ثابت کند .

تبصره - متهم میتواند یک نفر از وکلاء رسمی دادگستری را همراه خود داشته باشد . وکیل متهم بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه بازجویی میتواند مطالبی را که برای روشن شدن حقیقت و دفاع از متهم یا اجراء قوانین لازم بداند ، به بازپرس تذکر دهد اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس میگردد .

ماده ۱۱۰ - جهات ذیل عذرموجه محسوب است .

۱ - نرسیدن احضاریه یا دیر رسیدن به قسمی که مانع از حضور در وقت مقرر شود .

۲ - مرضی که مانع از حرکت است .

۳ - فوت یکی از والدین یا زوج یا زوجه یا اولاد و یا مرض سخت یکی از اشخاص مذکور .

۴ - ابتلای بزرگی از قبیل حریق و امثال آن .

۵ - عدم امکان تردد بواسطه بلیات سماوی از قبیل امراض مسری ( وبا ، طاعون و غیره ) یا طغیان رودخانه و امثال آن .

۶ - در توقیف یا حبس بودن .

ماده ۱۱۱ - اشخاصی که حاضر نشده و گواهی عدم امکان حضور هم نفرستاده

باشند ، به دستور بازپرس جلب می شوند .

ماده ۱۱۲ - بازپرس میتواند در موارد ذیل بدون اینکه بدوا احضاریه فرستاده

باشد ، دستور جلب متهم را بدهد .

۱ - در مورد اتهام به جرمی که بیم فرار و مخفی شدن متهم می رود .

۲ - در مورد متهمینی که محل اقامت یا شغل و کسبشان معین نیست .



## بیتعالی

- ماده ۱۱۳ - جلب متهم بموجب برگ جلب بعمل میآید . برگ جلب که مضمونش ، مضمون برگ احضار است باید به متهم ابلاغ شود .
- ماده ۱۱۴ - مامور پس از ابلاغ برگ جلب متهم را دعوت می نماید که با او نزد بازپرس برود هرگاه متهم امتناع نماید ، مامور از ضابطین دادگستری استمداد می کند . هرکس به متهم کمک کند ، مسوول بوده طبق قانون ، مجازات می شود .
- ماده ۱۱۵ - جلب متهم با استثنای موارد فوری ، باید در روز بعمل آید .
- ماده ۱۱۶ - در صورتیکه متهم غایب باشد ، برگ جلب به ضابطین دادگستری داده می شود تا متهم را نزد بازپرس حاضر نماید .
- ماده ۱۱۷ - از زمانیکه به متهم برگ جلب ابلاغ می شود تا وقتیکه نزد بازپرس حاضر شود ، مشارالیه تحت نظر و محافظت خواهد بود .
- ماده ۱۱۸ - بازپرس نباید کسی را احضار یا جلب کند ، مگر دلایل کافی برای احضار یا جلب در دست داشته باشد .
- ماده ۱۱۹ - هرگاه شخصی که دستور احضار یا جلب او داده شده به علت بیماری نتواند نزد بازپرس حاضر شود در صورت اهمیت و فوریت امر جزائی بازپرس خود به منزل او رفته بازجویی لازم را بعمل می آورد و یا منتظر رفع مانع می شود .
- ماده ۱۲۰ - بازپرس مکلف است ظرف ۲۴ ساعت از زمان حاضر شدن یا حاضر نمودن متهم بازجوئی را شروع نماید ، اگر ظرف این مدت شروع به بازجوئی نشده باشد ، دادستان بازجوئی فوری از متهم را از بازپرس می خواهد چنانچه بازپرس امتناع نماید یا غایب باشد یا عذر موجهی در تاخیر بازجوئی داشته باشد دادستان از بازپرس دیگری انجام بازجوئیهای لازم را می خواهد . در صورت عدم دسترسی به بازپرس دیگر دادستان شخصا بازجوئیهای لازم را انجام خواهد داد و یا انجام بازجوئی جرائمی که در صلاحیت دادگاه کیفری دو است را به دادیار محول خواهد نمود .
- تبصره - در صورتیکه هیچیک از مقامات مزبور در محل حاضر نبوده و یا از انجام وظیفه معذور باشند رئیس یا یکی از دادرسان دادگاه کیفری محل یا قائم مقام دادگاه مزبور به انتخاب رئیس دادگستری حسب مورد وظایف بازپرس یا دادستان را انجام خواهد داد .
- ماده ۱۲۱ - هرگاه متهمی پس از حضور یا جلب بیش از ۲۴ ساعت در بازداشت بماند . بدون اینکه طبق ماده قبل از وی بازجوئی بعمل آید بازداشت وی در ردیف بازداشتهایی است که به اراده اشخاص بعمل آمده مجازات مرتکب چنین عملی اعم از مامورین یا قضات پس از ثبوت در دادگاه انفصال از خدمت خواهد بود .
- ماده ۱۲۲ - بازپرس ابتداءً هویت و مشخصات متهم را دقیقاً ( اسم ، اسم پدر ،

## تعالیه

شهرت، فامیل، سن، شغل، عیال و اولاد و تابعیت) سوال نموده متذکر می شود که مواظب اظهارات خود باشد و سپس موضوع اتهام و دلائل آنرا صریحا به متهم تفهیم میکند و آنگاه شروع به تحقیق مینماید. سوالات باید مفید و روشن باشد.

سوالات تلقینی یا اغفال یا اکراه و اجبار متهم ممنوع است. چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع نماید امتناع او در صورت مجلس قید می شود.

تبصره - بازپرس در ضمن تحقیق، هویت متهم، محل اقامت او را از شهر، قصبه، قریه، ده، کوچه، خیابان، منزل، شماره منزل و غیره بطوری که ابلاغ احضاریه و سایر اوراق به آسانی مقدور باشد تعیین و به متهم میفهماند محلی را که برای اقامت خود تعیین می کند، محل اقامت قانونی اوست و چنانچه محل اقامت خود را تغییر دهد، باید محل اقامت جدید خود را بطور روشن و به نحوی که ابلاغ آنها ممکن باشد، معین کند والا احضاریهها به همان محل اقامت سابق فرستاده خواهد شد. تغییر محل اقامت بمنظور تاخیر و طفره و تعلقل به قسمی که ابلاغ اوراق متعسر باشد پذیرفته نیست و کلیه اوراق به همان محل سابق ابلاغ خواهد شد. تشخیص این موضوع با مقامی است که رسیدگی می نماید.

تخلف از مقررات این ماده موجب تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه ۴ به بالا میباشد و تخلف مامورین ابلاغ اعم از دادگستری، انتظامی، پلیس قضائی یا ثبت در انجام وظایف محوله خود و یا گزارش خلاف واقع آنها در امور مربوط به وظائفشان مشمول مقررات جزائی مربوط خواهد شد. مقررات این تبصره از نظر تعیین محل اقامت شاکی یا مدعی خصوصی لازم الرعایه است.

ماده ۱۲۳ - از متهمین جز در موارد مواجهه منفردا بازجوئی بعمل می آید و نباید با همدیگر وارد در مذاکره و مواضع شوند.

ماده ۱۲۴ - جوابها باید همانطوری که داده می شود، بدون تغییر و تبدیل یا تحریف نوشته شود. متهمین با سواد خودشان جواب سوالات را می نویسند.

مبحث پنجم - در اقداماتیکه برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم بعمل می آید.

ماده ۱۲۵ - کسانیکه تحت تعقیب جزائی هستند نباید از حوزه ای که بازپرس با دادستان تعیین می کند بدون اجازه آنها خارج شوند.

ماده ۱۲۶ - برای امکان دسترسی به متهم و حضور وی در موارد لزوم و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن او یا بیم تباہی یکی از قرارهای تامین ذیل صادر می شود.

۱ - التزام عدم خروج از حوزه قضائی با قول شرف.



## تعالی

- ۲- التزام عدم خروج از حوزه قضائی یا تعیین وجه التزام تاختم محاکمه و اجرای حکم و در صورت استنکاف یا تقاضای متهم قرار وجه الكفاله .
  - ۳- اخذ کفیل و در صورتیکه متهم تقاضا نماید بجای کفیل ، وجه نقد یا مال منقول یا غیر منقول بدهد بازپرس مکلف به قبول آن و تبدیل قرار است .
  - ۴- اخذ وثیقه اعم از وجه نقد و مال منقول یا غیر منقول .
  - ۵- بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر در ماده ۱۲۸ .
- تبصره ۱- در مواردیکه خروج متهم باید با اجازه بازپرس یا دادستان باشد ، در صورت عدم موافقت آنها متهم میتواند به دادگاه کیفری دو شکایت کند و هرگاه دادگاه تقاضای متهم را موجه دید ، میتواند اجازه خروج بدهد .
- تبصره ۲- هرگاه تا دو ماه به علت صدور قرار تامین متهم در توقیف مانده و پرونده اتهامی او منتهی به صدور کیفرخواست نشده باشد ، مرجع صادر کننده قرار مکلف به فک یا تخفیف قرار تامین متهم میباشد مگر آنکه جهات قانونی یا علل موجهی برای بقاء قرار تامین صادر شده وجود داشته باشد که در اینصورت با ذکر علل و جهات مزبور قرار ابقاء می شود و متهم حق دارد از این تصمیم ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ به دادگاه کیفری دو شکایت کند و تصمیم دادگاه کیفری دو قطعی است .
- فک قرار بازداشت متهم از طرف بازپرس با موافقت دادستان بعمل می آید و در صورت حدوث اختلاف بین دادستان و بازپرس نظر دادستان متبع است .
- ماده ۱۲۷- تامین باید با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلائل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و امحاء اثرات جرم و همچنین سابقه متهم و چگونگی مزاج و سن و حیثیت او متناسب باشد .
- تبصره - هرگاه بازپرس تامین نامتناسب اخذ نماید ، موجب تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه ۴ به بالا خواهد بود .
- ماده ۱۲۸- در موارد ذیل بازداشت موقت متهم جایز است .
- ۱- درباره متهم به ارتکاب قتل عمد .
  - ۲- درباره متهم به ارتکاب جرح عمدی به وسیله چاقو، کارد، قمه، قداره، ساطور قصابی ، سرنیزه، تفنگ و هر نوع آلات قتاله مشابه چنانچه دلایل و قرائن موجود دلالت بر توجه اتهام به او نماید .
  - ۳- درباره متهمین به ارتکاب جرائم عمدی که در صلاحیت دادگاه کیفری یک است .
  - ۴- در هر موردی که آزاد بودن متهم ممکن است موجب امحاء آثار و دلائل جرم شده و یا باعث مواضعه و تبانی با شهود و مطلعین واقع گردیده یا سبب شود که شهود از ادای شهادت امتناع کنند یا آزادی متهم باعث تشویش اذهان عمومی شود . همچنین

## بِسْمِ اللَّهِ

درموقعی که بیم فرار یا پنهان شدن متهم باشد و به طریق دیگری نتوان از آن جلوگیری نمود ..

۵- درباره متهمین به سرقت یا کلاهبرداری و یا خیانت در امانت و یا جعل یا استفاده از سند مجعول هرگاه دلایل و قرائن موجود دلالت بر توجه اتهام به آنان نماید و لااقل یک فقره سابقه محکومیت قطعی و یا دو فقره یا بیشتر سابقه محکومیت غیرقطعی به علت ارتکاب هر یک از جرائم مذکور داشته باشند .

ماده ۱۲۹- کفالت شخصی پذیرفته می شود که اعتبار او برای پرداخت وجه الکفاله محل تردید نباشد . تشخیص این موضوع با کسی است که قرار اخذ کفیل صادر مینماید . در صورت فرار متهم یا عدم دسترسی به او در مواردی که حضور شخص او از طرف بازپرس یا دادگاه یا دادستان مقرر گردیده و کفیل نتواند او را معرفی کند کفیل ملزم به پرداخت وجه الکفاله است .

ماده ۱۳۰- مبلغ وثیقه یا وجه الکفاله یا وجه التزام نباید در هر حال کمتر از خساراتی باشد که شاکی یا مدعی خصوصی تقاضا می کند .

ماده ۱۳۱- بازپرس در باب قبول وثیقه یا کفیل قرار صادر نموده و امضاء کرده، کفیل یا وثیقه گذار نیز امضاء مینماید و رونوشت مصدق از قرار در صورت تقاضا به وثیقه گذار یا کفیل داده می شود .

ماده ۱۳۲- از وجه التزام یا وجه الکفاله ماخوذه و وثیقه در صورتیکه حکم ضرر و زیان از دادگاه کیفری صادر شده باشد بدو ضرر و زیان مدعی خصوصی تادیه می شود .  
ماده ۱۳۳- متهمی که در مورد او قرار کفیل یا وثیقه صادر شده تا اجرای مفاد قرار در بازداشت می ماند ..

ماده ۱۳۴- هرگاه متهم در موعد مقرر حاضر شده یا بعد از موعد حاضر و عذر موجه خود را ثابت نماید و حکم در حال اجرا و یا پرونده مختومه باشد وثیقه مسترد و کفیل از مسوولیت مبرا می شود ..

ماده ۱۳۵- هرگاه متهمی که التزام یا وثیقه داده یا دیگری برای او وثیقه گذاشته در موقعی که حضور او لازم دانسته شده بدون عذر موجه حاضر نگردد وجه التزام به دستور دادستان از متهم اخذ و وثیقه موقتاً ضبط خواهد شد ..

اگر شخصی از متهم کفالت نموده و متهم در موقعی که حضور او لازم بوده حاضر نشده به کفیل اخطار می شود ظرف بیست روز متهم را تسلیم نماید . در صورت عدم تسلیم به شرط ابلاغ واقعی اخطاریه به دستور دادستان موقتاً وجه الکفاله اخذ خواهد شد .

تبصره ۱- چنانچه ثابت شود کفیل بمنظور عدم امکان ابلاغ واقعی اخطاریه نشانی حقیقی خود را به مرجع قبول کننده کفالت اعلام نکرده و یا به این منظور از

## تعلیق

- محل خارج شده ابلاغ قانونی اخطاریه برای اخذ وجه الكفاله كافیست .
- تبصره ۲ - خواستن متهم از كفیل جز درموردی كه حضور متهم برای بازپرسی یا محاکمه یا اجراء حكم ضرورت دارد ، ممنوع است .
- تبصره ۳ - متهم وكفیل و وثیقه‌گذار می‌توانند درموارد ذیل ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ دستور دادستان به دادگاه كیفری ۲ شكایت كنند .
- ۱ - در صورتیكه بخواهند ثابت كنند متهم در موعد مقرر حاضر شده یا اورا حاضر نموده‌اند یا شخص ثالثی متهم را حاضر نموده است .
- ۲ - هرگاه بخواهند ثابت نمایند به‌جهت مذکور در ماده ۱۱۰ این قانون متهم نتوانسته حاضر شود ویا كفیل به‌یكی از آن‌جهت نتوانسته اورا حاضر كند .
- ۳ - هرگاه بخواهند ثابت نمایند متهم قبل از موعد قوت كرده .
- ۴ - در صورتیكه كفیل یا متهم بخواهند ثابت نمایند پس از صدور قرار قبول كفالت یا التزام معسر شده‌اند .
- تبصره ۴ - دادگاه در تمام موارد نسبت به شكایت خارج از نوبت وبدون تشریفات دادرسی رسیدگی كرده ، مادام كه عملیات اجرایی را توقیف ننموده یا حكم برفع كفیل یا وثیقه‌گذار یا متهم صادر نكرده عملیات مذکور ادامه خواهد داشت در صورت صدور حكم به‌نفع معترض وجوه و اموال اخذ و ضبط شده مسترد میگردد .
- تبصره ۵ - اگر قرار منع یا موقوفی تعقیب یا حكم برائت متهم صادر شود ، دیگر وجه التزام یا وجه الكفاله یا وثیقه وصول یا ضبط نمی‌شود و اگر وصول یا ضبط شده باشد ، مسترد می‌گردد ، هرگاه محكوم علیه فقط به‌جزای نقدی یا ضرر و زیان مدعی خصوصی محكوم شده و مجموع محكوم به كمتر از تامین ماخوذه باشد فقط تامین محكومیت وی از وثیقه ضبط شده یا از وجه التزام یا وجه الكفاله وصول خواهد شد و مازاد مسترد میگردد . و در اینصورت حكم اجرا شده محسوبست و در غیر موارد مذکور در این تبصره مازاد به‌نفع دولت ضبط قطعی خواهد شد .
- در صورتیكه متهم یا محكوم علیه تخلف نكرده و در مواعد مقرر حاضر شده باشد بمحض شروع به اجرای حكم جزایی یا قطعی شدن قرار تعلیق اجرای مجازات قرار تامین ملغی‌الاثر می‌گردد .
- ماده ۱۳۶ - قرار تامین باید به متهم ابلاغ شود . در صورتیكه قرار منتهی به زندانی شدن وی گردد حین اعزام متهم به بازداشتگاه نوع قرار در نامه اعزام درج می‌شود . هرگاه متهم برای جلوگیری از تبانی بازداشت شده باشد این جهت نیز در نامه قید می‌گردد .
- تبصره - چنانچه قرار صادره قابل اعتراض باشد صادر كننده قرار مكلف است قابل اعتراض بودن قرار را به متهم تفهیم و در پرونده قید نماید . عدم رعایت نكات مزبور





## تعالیه

موجب تعقیب انتظامی تا درجه سه خواهد بود .

ماده ۱۳۷ - در بازداشتگاه باید دفتری برای تحویل دادن متهمین و مقصرین موجود باشد و تحویل دهنده قبض رسیدگرفته به مرجع ذیربط تسلیم کند .

مبحث ششم - در احضار شهود تحقیق و مطلعین و بازجویی آنان

ماده ۱۳۸ - قضات دادسرا اشخاصی را که به تشخیص خود یا به معرفی شاکی یا اعلام مقامات ذیربط یا به تقاضای متهم برای روشن شدن قضیه لازم بدانند وفق اصول مقرر احضار می کنند .

ماده ۱۳۹ - شهود تحقیق و مطلعین به دستور بازپرس توسط ضابطین دادگستری یا مامورین ابلاغ یا به هر وسیله دیگری که بازپرس مقتضی بداند احضار می شوند .

ماده ۱۴۰ - در صورتیکه شاهد یا مطلع از تابعین نظامی یا انتظامی باشد ضمن احضار او باید مراتب لااقل ۲۴ ساعت قبل از زمان تحقیق به اطلاع فرمانده یا رئیس مربوط برسد .

فرمانده یا رئیس مکلف است اجازه لازم را به احضار شده بدهد .

ماده ۱۴۱ - بازپرس از هریک از شهود و مطلعین جداگانه و بدون حضور متهم تحقیق می نماید و اظهاراتشان را نوشته به امضاء یا اثر انگشت آنان می رساند . تحقیق مجدد و مواجهه آنان در صورت ضرورت جائز است .

ماده ۱۴۲ - بازجویی در هر مورد غیر علنی است .

ماده ۱۴۳ - شهود تحقیق و مطلعین قبل از اظهار اطلاعات باید بشرح زیر سوگند یاد نمایند .

" خداوند متعال را در نظر گرفته ، سوگند یاد می کنم که جز بر راستی چیزی نگویم و تمام حقایق را بیان نمایم " .

و بازپرس قبل از شروع به بازپرسی اسم واسم پدر و شغل و محل اقامت و درجه قرابت سببی یا نسبی و خادم یا مخدوم یا استاد و شاگرد بودن مطلع را نسبت به طرفین پرونده و سابقه کیفری او سوال کرده ، نوشته می شود قبل از ادای سوگند ، مجازات سوگند خلاف به شاهد تفهیم می شود . در کلیه دادگاههای کیفری نیز که از گواه و مطلع تحقیق می شود ، مراتب فوق لازم الرعایه است .

ماده ۱۴۴ - در صورتیکه شاهد یا مطلع به حد بلوغ نرسیده باشد یا کسی باشد که شهادت او پذیرفته نیست بدون یاد کردن سوگند اظهارات او برای مزید اطلاع استماع می شود .

بسمه تعالی

مقررات مواد ۲۱۷ الی ۲۲۰ این قانون در مورد تحقیق از شهود و مطلعین در بازپرسی نیز جاری است .

ماده ۱۴۵ - پس از آنکه شهادت یا اظهار اطلاع به اتمام رسید متن آن قرائت به امضاء شاهد یا مطلع میرسد . هرگاه شاهد یا مطلع فاقد امضاء باشد انگشت میزند و اگر از امضاء یا زدن انگشت امتناع ورزد یا قادر به امضاء و زدن انگشت نباشد مراتب در برگ تحقیق قید می شود . کلیه اوراق تحقیق باید به امضاء بازپرس و کاتب برسد .

ماده ۱۴۶ - در اوراق بازجوئی نوشتن بین السطور و تراشیدن کلمات به کلی ممنوع است . اگر یک یا چند کلمه اضافه نوشته شده باشد ، باید بر روی آن خطی نازک کشیده و این موضوع قید شود و بازپرس و شخصی که از وی تحقیق می شود ، آنرا امضاء نماید و همچنین اگر یک یا چند کلمه از قلم افتاده و در حاشیه نوشته شود ، باید اشخاص مذکور ذیل آنرا امضاء کنند و هرگاه این ترتیب رعایت نشود ، کلمات مزبور از درجه اعتبار ساقط است .

ماده ۱۴۷ - هر یک از شهود تحقیق و مطلعین در روز مقرر باید حاضر شوند . در صورتیکه به اختیار حاضر نشوند به دستور بازپرس جلب میگردند و در صورتیکه عذر موجه داشته باشند مجدداً احضار می شوند .

ماده ۱۴۸ - در صورتیکه شاهد یا مطلع برای حاضر شدن عنوان ضرر و خسارتی از حیث شغل و کار خود یا هزینه ایاب و ذهاب بنماید تشخیص ورود ضرر و تعیین میزان آن طبق تعرفه مصوب شورای عالی قضایی بامرجع قضایی احضار کننده است که باید وسیله کسی که تقاضای احضار را نموده در صندوق دادگستری تودیع شود . هرگاه متقاضی احضار توانایی پرداخت هزینه مزبور را به تشخیص مرجع احضار کننده نداشته باشد و یا احضار به درخواست دادستان یا مرجع رسیدگی کننده باشد از طرف دولت پرداخت خواهد شد .

ماده ۱۴۹ - در صورتیکه شخص شاهد یا مطلع مریض باشد و نتواند حاضر شود ، بازپرس خود به محل اقامت مریض رفته تحقیق میکند . اگر مطلعین خارج از حوزه ماوریت بازپرس و در حوزه دادگاه حقوقی دو مستقل ساکن باشند بازپرس به رئیس یا دادرس دادگاه محل سکونت مطلع تعلیمات لازم میدهد که اظهارات مطلعین را استماع نموده اوراق تحقیق را برای بازپرس ارسال دارد .

هرگاه محل سکونت مطلعین در حوزه بازپرس دیگری باشد جهت تحقیق بنحومذکور به بازپرس آن حوزه رجوع مینماید .

ماده ۱۵۰ - مدلول ماده قبل نیز شامل مواردی است که عده شهود تحقیق و مطلعین زیاد بوده در یک محل مقیم باشند ، مانند بازجویی از شاگردان مدارس .



## بیت

مبحث هفتم - در تحقیقات محلی.

- ماده ۱۵۱ - هرگاه برای کشف جرم و توضیح مسائل و نکات لازم در مورد شغل و خصوصیات اخلاقی متهم و سوابق زندگی او تحقیقات محلی ضرورت داشته باشد و همچنین در مواردیکه متهم یا شاکی به اطلاعات اهل محل استناد می نماید و یا بازپرس تحقیق از اهل محل را ضروری بداند بازپرس اقدام به تحقیقات محلی می نماید .
- ماده ۱۵۲ - بازپرس تاریخ انجام تحقیقات محلی را به دادستان اطلاع می دهد . هرگاه متهمی که در بازداشت است بخواهد در تحقیقات حضور بهم رساند و حضور او مقتضی باشد به محل تحقیقات فرستاده می شود .
- ماده ۱۵۳ - بازپرس بعد از ورود به محل ، موافق آئین دادرسی مدنی که برای تحقیقات محلی مقرر است ، رفتار می نماید .
- ماده ۱۵۴ - اشخاصی که تحقیقات از آنان بعمل می آید ، بدو ملتزم می شوند که برخلاف واقع چیزی نگویند .
- ماده ۱۵۵ - هرگاه شهود و مطلعین که در تحقیقات محلی دعوت به تحقیق میشوند بدون عذر موجه حاضر نگردند عنداللزوم بدستور بازپرس جلب می شوند .

### فصل پنجم - اقدامات بازپرس و دادستان پس از ختم تحقیقات

- ماده ۱۵۶ - پس از آنکه تحقیقات پایان یافت بازپرس آخرین دفاع متهم را استماع نموده با اعلام ختم تحقیقات و اظهار عقیده خود پرونده را نزد دادستان می فرستد . تبصره - هرگاه متهم در آخرین دفاع دلیل موثری بر کشف حقیقت ابراز نماید بازپرس مکلف به رسیدگی است .
- ماده ۱۵۷ - در مواردی که بازپرس به متهم دسترسی ندارد یا به علت شناخته نشدن در محل اقامت احضار و جلبش مقدور نباشد ، بازپرس میتواند بدون استماع آخرین دفاع در صورتی که دلائل کافی باشد ، رسیدگی و قرار مقتضی صادر نماید .
- ماده ۱۵۸ - در صورتیکه به عقیده بازپرس عمل متهم متضمن جرمی نبوده یا اصولاً جرمی واقع نشده یا دلائل کافی برای ارتکاب جرم وجود نداشته باشد قرار منع تعقیب صادر می نماید و اگر عقیده بازپرس بر تقصیر متهم باشد قرار مجرمیت صادر می کند .
- تبصره ۱ - قرارهای بازپرس باید موجه و مدلل باشد . در قرار مجرمیت نکات

## بیت

زیر باید صریحا قید شود .

۱- نام و نام خانوادگی ، شهرت ، نام پدر ، سن ، شغل ، محل اقامت و نوع اتهام .

۲- شرح وقوع جرم و تاریخ و محل آن .

۳- تعدد جرائم ( در صورت تعدد ) .

۴- دلایل اتهام .

عدم رعایت نکات مزبور موجب تعقیب انتظامی تا درجه ۴ خواهد بود  
تبصره ۲- چنانچه پس از تکمیل تحقیقات مقدماتی دلایل ومدارک موجود در پرونده کافی برای مجرمیت متهم نبوده ولی مورد از موارد تحلیف باشد ، دادسرا بدون اظهار نظر پرونده را به دادگاه صالح ارسال می دارد . در این صورت دادگاه پس از تحلیف بدون اینکه نیاز به تنظیم کیفرخواست یا اعاده پرونده به دادسرا باشد ، به آن رسیدگی خواهد نمود . از قبیل .

۱- مواردی که مشتکی عنه ادعای شاکي را انکار مینماید و شاکي فاقد دلیل و بینه است و از منکر درخواست سوگند دارد .

۲- اختلاف ولی دم و قاتل در اینکه قتل درحالت بلوغ و عقل قاتل واقع شده و یا قتل قبل از بلوغ و یا قبل از رفع حجر بوده است که در این صورت قاتل باید به درخواست ولی دم قسم بخورد .

۳- چنانچه مباشر قصاص ، بیشتر از جنایت وارده قصاص کرده باشد و جانی مدعی شود که مباشر قصاص تعدد داشته است و قصاص کننده منکر عمد باشد ، که در این حال قصاص کننده باید به درخواست جانی قسم یاد کند .

۴- در صورتیکه دونفر گواهی به عملی دهند که عادتاً موجب قتل می شود و جانی منکر استناد مرگ مقتول بعمل خود باشد ، که در این صورت باید به درخواست مدعی قسم یاد کند .

۵- چنانچه در اثر ضربه خطائی ضارب ، زن حامل سقط جنین کند و ولی جنین ادعای نماید که این ضربه بعد از حلول روح بوده است و جانی منکر این امر باشد که در این صورت باید به درخواست ولی جنین قسم یاد کند .

۶- اختلاف در عود بینائی که اگر مجنی علیه منکر عود باشد باید به درخواست جانی قسم یاد کند .

۷- در قتل شبه عمد یا خطا محض چنانچه شاهد فقط یک مرد عادل باشد مدعی باید قسم یاد کند .

## تعالیه

۸- در موردیکه اصل قتل ثابت شده ولی متهم منکر عمدی بودن قتل باشد ، متهم باید قسم یاد کند .

۹- در مواردیکه زوال عقل یا نقصان آن در اثر اختلاف نظر خبرگان ثابت نشود جانی باید قسم یاد کند .

۱۰- در خصوص لوٹ ، مذکور در قوانین حدود و قصاص و دیات و سایر مواردیکه در قوانین مزبور قسم یا قسامه پیش بینی شده باشد .

ماده ۱۵۹- پس از وصول پرونده دادستان مکلف است ظرف ۵ روز پرونده را ملاحظه نموده نظر خود را اعلام دارد .

ماده ۱۶۰- در صورتیکه به نظر دادستان تحقیقات و بازجوئی ناقص باشد ضمن تعیین موارد نقص تکمیل آنرا از بازپرس می خواهد و بازپرس مکلف به انجام آن است .

ماده ۱۶۱- هرگاه دادستان بانظر بازپرس در مورد مجرمیت متهم موافق باشد کیفرخواست صادر پرونده را از طریق بازپرسی به دادگاه صالحه ارسال می نماید و در صورت توافق بازپرس و دادستان بامنع یا موقوفی تعقیب متهم ، بازپرس دستورابلاغ قرار را به شاکی خصوصی میدهد . در مورد اخیر چنانچه متهم زندانی باشد فوراً آزاد می شود .

ماده ۱۶۲- هرگاه بین بازپرس و دادستان توافق عقیده نباشد ( یکی عقیده به مجرمیت یا موقوفی یا منع تعقیب متهم ، و دیگری عقیده عکس آنرا داشته باشد ) رفع اختلاف در دادگاه کیفری دو بعمل می آید و موافق تصمیم دادگاه رفتار می شود .

ماده ۱۶۳- دادستان تکمیل تحقیقات و بازجوئی ها را در صورتی میتواند بخواهد که نقصان آن از جهت یا جهات مهمه باشد ، لذا اگر دادستان به واسطه نواقص غیر مهمه تکمیل تحقیقات را خواسته عملی را معوق بدارد ، قانونا مسوول خواهد بود .

ماده ۱۶۴- دادستان محل در جریان تحقیقات و حتی بعد از صدور قرار نهائی وقبل از تنظیم کیفرخواست میتواند از بازپرس درخواست تشدید یا تخفیف تامین نماید و بازپرس مکلف به قبول آنست و نیز پس از تنظیم کیفرخواست دادستان محل میتواند از دادگاه موجها درخواست تشدید یا تخفیف نماید . تصمیم دادگاه قطعی است .

هرگاه متهم پس از صدور کیفرخواست از دادگاه درخواست تخفیف یا تبدیل تامین کند دادگاه به درخواست متهم رسیدگی و قرار مقتضی صادر مینماید . قرار دادگاه در این مورد قطعی است .

مطرح بودن پرونده در دیوانعالی کشور مانع از آن نخواهد بود که دادگاه کیفری نسبت به تقاضای تخفیف تامین رسیدگی نماید و در صورت تقاضا از دادگاه کلیه اقدامات



## تعلیقات

شماره .....

تاریخ .....

پیوست .....

- مربوط به قبول تخفیف تامین نیز با خود دادگاه است .
- تبصره - در مواردی که پرونده متهم در دادگاه مطرح شده و از متهم قبلاً تامین اخذ نشده یا تامین قبلی منتفی شده باشد دادگاهها میتوانند از متهم تامین اخذ نمایند . صدور قرار تامین خواسته نیز در این مرحله با دادگاه است . تصمیم دادگاه در این موارد همچنین در موردی که تامین متهم تشدید می شود ، قطعی است .
- ماده ۱۶۵ - در کیفرخواست باید نکات ذیل تصریح شود .
- ۱- نام و نام خانوادگی ، نام پدر ، سن ، شغل ، محل اقامت متهم ، باسواد است یا نه ، مجرد است یا متأهل .
  - ۲- نوع قرار تامین با قید اینکه متهم بازداشت است یا آزاد .
  - ۳- نوع اتهام .
  - ۴- دلایل اتهام .
  - ۵- مواد قانونی مورد استناد .
  - ۶- سابقه محکومیت کیفری در صورتیکه متهم دارای سابقه محکومیت کیفری باشد .
  - ۷- تاریخ و محل وقوع جرم .
- تبصره - در مواردی که طبق قانون متهم بایستی از مجازات معاف شود دادستان بجای کیفرخواست تقاضای معافیت متهم را از تحمل مجازات می نماید .
- ماده ۱۶۶ - قرارهای بازپرس که دادستان با آنها موافق باشد در موارد ذیل قابل شکایت است .
- ۱- قرار عدم صلاحیت به تقاضای متهم .
  - ۲- قرار منع تعقیب به تقاضای شاکی خصوصی .
  - ۳- قرار بازداشت موقت به تقاضای متهم .
  - ۴- قرار تشدید تامین به تقاضای متهم .
  - ۵- قرار تامین خواسته به تقاضای متهم .
  - ۶- قرار موقوفی تعقیب به تقاضای شاکی خصوصی .
- تبصره - مهلت شکایت از قرارهای فوق ده روز ، و ابتدای آن از روز اعلام یا ابلاغ قرار است .
- ماده ۱۶۷ - شکایت از قرارها باعث توقف جریان تحقیقات و بازجوئی و مانع اجرای قرار نمی شود . کلیه اقدامات بازپرس تا اخذ تصمیم از دادگاه بقوت خود باقی است چنانچه نتیجه قرار صادره آزادی متهم زندانی باشد فوراً اجرا می شود .



## بسم الله تعالی

### فصل ششم - رسیدگی دادگاه در مورد اختلاف عقیده بین دادستان و بازپرس یا اعتراض به قرار

ماده ۱۶۸ - مرجع شکایت از قرارهای ماده ۱۶۶ دادگاه کیفری دو است. رسیدگی در جلسه اداری خارج از نوبت بدون حضور دادستان بعمل خواهد آمد.

ماده ۱۶۹ - در صورتیکه دادگاه تشخیص دهد تحقیقات کافی نیست دستور تکمیل آنرا خواهد داد. بازپرس مکلف است تحقیقات را طبق نظر دادگاه انجام دهد. پرونده را بدون اظهار نظر به دادگاه اعاده دهد.

ماده ۱۷۰ - هرگاه دادگاه کیفری به علت کافی نبودن دلیل قرار منع تعقیب را تایید نماید، متهم را بار دیگر نمی توان به همان اتهام تعقیب کرد، مگر بعد از کشف دلایل جدید که در این صورت نیز فقط برای یک مرتبه می توان متهم را با اجازه دادگاه مزبور تعقیب نمود هرگاه دادگاه تعقیب مجدد متهم را تجویز نماید بازپرس رسیدگی کرده و قرار مقتضی صادر می نماید.

ماده ۱۷۱ - دادرهای انقلاب اسلامی و دادرهای دادگاههای خاص نظامی نیز تابع مقررات این قانون خواهند بود.

تبصره - مرجع شکایت از قرارهای قابل اعتراض دادرهای مزبور و رفع اختلاف نظر بین دادستان و بازپرس در موارد مذکور در این قانون حسب مورد دادگاه انقلاب اسلامی یا دادگاه نظامی است.

### باب دوم - در محاکم کیفری

#### فصل اول - در تشکیل دادگاهها و صلاحیت آنها

ماده ۱۷۲ - دادگاههای کیفری به ترتیب مقرر در این قانون تشکیل و به جرائمی که مطابق قوانین دارای مجازات زیر باشند رسیدگی و حکم مقتضی صادر می نماید.

۱- حدود ۲- قصاص ۳- دیات ۴- تعزیرات ۵- مجازاتهای بازدارنده

ماده ۱۷۳ - دادگاههای کیفری به دادگاههای کیفری ۱ و دادگاههای کیفری ۲ تقسیم می شوند. در معیت دادگاههای کیفری ۱ و ۲ دادرهای عمومی بشرح مندرج در مواد این قانون انجام وظیفه می نماید.



## تعالیه

شماره .....

تاریخ .....

پیوست .....

ماده ۱۷۴ - دادگاههای کیفری ۱ تشکیل می شود از یک نفر رئیس یا عضو علی البدل و در صورت نیاز یک نفر مشاور با تشخیص شورای عالی قضائی . حق رای یا رئیس یا عضو علی البدل دادگاه است . چنانچه دادگاه دارای مشاور باشد ، قبل از اتخاذ تصمیم دادگاه ، مشاور مکلف است پرونده را دقیقاً مطالعه و بررسی نموده نظر مشروح و مستدل خود را حداکثر ظرف ۵ روز اعلام نماید تخلف از این امر موجب محکومیت انتظامی تا درجه ۳ خواهد بود . تبصره - چنانچه پس از خاتمه رسیدگی مشاور حداکثر ظرف مدت ۵ روز نظر مشورتی خود را به دادگاه تسلیم نکند ، قاضی دادگاه راساً اتخاذ تصمیم می نماید .

ماده ۱۷۵ - دادگاه کیفری ۱ در مراکز استانها و شهرهایی که شورای عالی قضائی تاسیس آنرا لازم بداند ، تشکیل می شود و حسب مورد می تواند دارای شعب متعدد باشد . تخصیص هر شعبه به هر یک از انواع خاص جرایم با شورای عالی قضائی است . تبصره - هرگاه در محلی دادگاه کیفری یک تشکیل نشده باشد ، رسیدگی به جرایم آن محل که در صلاحیت دادگاه کیفری ۱ است ، با نزدیکترین دادگاه کیفری ۱ حوزه قضائی همان استان خواهد بود .

ماده ۱۷۶ - دادگاه کیفری ۲ تشکیل می شود از یک نفر رئیس یا عضو علی البدل . تبصره - هرگاه رئیس یا عضو علی البدل احساس کند در دادرسی نسبت به مواردی نیاز به مشاور دارد ، از رئیس کل دادگاهها و یا رئیس دادگستری حوزه متبوعه درخواست مشاور می کند و رئیس مذکور مکلف به اعزام مشاور خواهد بود و پس از مشاوره حکم قاضی ملاک عمل خواهد بود . مقررات قسمت آخر ماده ۱۷۴ این قانون و تبصره آن در این مورد نیز جاری است .

ماده ۱۷۷ - دادگاه کیفری دو در شهرهایی که شورای عالی قضائی لازم بداند تشکیل می شود و حسب مورد می تواند دارای شعب متعدد باشد . تخصیص هر شعبه به هر یک از انواع جرایم با شورای عالی قضائی است .

ماده ۱۷۸ - دادگاههای کیفری یک به جرایم زیر رسیدگی می نمایند .

الف - جرمی که کیفر آن اعدام ، رجم ، صلب و نگی بلند به عنوان حد باشد .

ب - جرمی که کیفر آن قطع یا نقص عضو باشد .

ج - جرمی که کیفر آن به حسب قانون ۱۰ سال زندان و بالاتر باشد .

د - جرمی که کیفر آن بر حسب قانون بیش از دویست هزار تومان جزای نقدی باشد .

ه - جرمی که کیفر آن نصف دیه کامل هر یک از موارد ششگانه و یا بالاتر باشد اعم

از عمد یا شبهه عمد و یا خطا محض .

تبصره ۱ - هرگاه جرمی که ادعا شده احتمال ترتب یکی از کیفرهای مذکور بر آن باشد و پس از ختم دادرسی معلوم شود که کیفر آن کمتر از امور مذکوره است ، دادگاه





## تعالیه

کیفری ۱ مبادرت به انشاء حکم خواهد کرد .

تبصره ۲ - هرگاه در محلی دادگاه کیفری ۲ تشکیل نشده و یا تشکیل شده ولی پرونده‌هایش متراکم است و نیز در صورتی که قاضی دادگاه کیفری ۲ مطابق قانون صلاحیت رسیدگی به پرونده‌ای را ندارد، دادگاه کیفری ۱ می‌تواند بر حسب ارجاع رئیس کل به پرونده‌هایی که در صلاحیت کیفری ۲ است نیز رسیدگی نماید .

ماده ۱۷۹ - رسیدگی به جرمهایی که مجازاتش غیر کیفرهای مذکور در ماده قبل و تبصره‌های آن باشد، بعهدہ دادگاه کیفری ۲ میباشد. همچنین رسیدگی به کلیه اعمال خلافی و تخلفات از قبیل عدم رعایت مقررات و نظامات مربوط به شهرداری و ساختمانی، نیروهای انتظامی، بهداری، بهداشت، ترافیک (اعم از مقررات راهنمایی و رانندگی، حمل و نقل بار و مسافر)، ولگردی، تکدی، فحاشی و امثال آن با دادگاه کیفری ۲ میباشد .  
ماده ۱۸۰ - در نقاطی که تشکیل دو شعبه دادگاه حقوقی و کیفری میسر نباشد یک شعبه دادگاه حقوقی یک یا کیفری یک به کلیه دعاوی حقوقی و جرائم رسیدگی خواهد کرد . هرگاه دادگاه واحد از نوع دادگاه حقوقی دو یا کیفری دو باشد به دعاوی حقوقی و جرائم در حد صلاحیت دادگاه حقوقی و کیفری دو رسیدگی خواهد نمود .

تبصره - در این مورد هرگاه دادسرا در محل تشکیل نشده باشد، وظایف دادسرا به عهده رئیس دادگاه یا عضو علی‌البدل میباشد .

ماده ۱۸۱ - هرگاه کسی مرتکب جرمی شود در دادگاهی رسیدگی میشود که جرم در حوزه آن وقوع یافته و اگر شخصی مرتکب چندین جرم در جاهای مختلف بشود، در دادگاهی به آن جرم رسیدگی می‌شود که مهمترین از جرائم در حوزه آن واقع شده است و هرگاه جرمهای مرتکب از یک درجه باشد، دادگاهی که مرتکب در حوزه آن دستگیر شده به آن رسیدگی مینماید. در این مورد دادسرای هر محل تحقیقات لازمه را موافق تکالیف خود بعمل آورده به دادستان دادگاهی که باید رسیدگی نماید نتیجه تحقیقات را ارسال می‌دارد .

ماده ۱۸۲ - هرگاه کسی متهم به ارتکاب چندین جرم از انواع مختلف باشد در دادگاهی محاکمه می‌شود که صلاحیت رسیدگی به مهمترین جرم را دارد .

تبصره - به اتهامات متعدد متهم باید توأماً و یکجا رسیدگی شود لیکن اگر رسیدگی به تمام آنها موجب تعویق باشد، حسب تقاضای دادستان دادگاه رسیدگی کننده میتواند به اتهاماتی که تحقیقات آنها کامل باشد، حکم یا قرار مقتضی صادر کند .

ماده ۱۸۳ - شرکا و معاونین جرم در دادگاهی محاکمه می‌شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام مجرم اصلی را دارد .



## بسم تعالی

ماده ۱۸۴ - هرگاه یکی از اتباع ایران در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرمی شده و در ایران دستگیر شود در دادگاهی محاکمه می شود که در حوزه آن دستگیر شده است .

ماده ۱۸۵ - چنانچه ضرر و زیان ناشی از جرم مورد مطالبه مدعی خصوصی در جرائمی که در صلاحیت رسیدگی دادگاههای کیفری دو میباشد ، زائد بر مبلغ دو میلیون ریال تمام باشد در اینصورت دادگاه کیفری ۲ ضمن رسیدگی به اصل جرم ، به موضوع ضرر و زیان نیز رسیدگی خواهد کرد و در اینگونه موارد نایستی در مورد ضرر و زیان قرار عدم صلاحیت صادر نماید . حکم صادره از لحاظ تجدیدنظر و مرجع آن تابع مقررات حاکم بر سایر احکام دادگاه مزبور خواهد بود .

ماده ۱۸۶ - حل اختلاف در صلاحیت بین دادگاههای کیفری طبق قواعد دادگاههای حقوقی است .

تبصره ۱ - مرجع حل اختلاف بین دادگاههای انقلاب و نظامی و نیز بین هر یک از دادگاههای مزبور با دیگر دادگاههای دادگستری دیوان عالی کشور است .  
تبصره ۲ - حل اختلاف بین دادرها تابع قواعد حل اختلاف دادگاههای همان دادرهاست .

ماده ۱۸۷ - در شهرهاییکه شعب متعدد کیفری و حقوقی و مدنی خاص تشکیل شده باشد رئیس شعبه اول ریاست کل دادگاههای حقوقی و کیفری را دارا بوده و پروندههای واصله را به شعب مربوطه ارجاع می کند .

تبصره - در تهران بمنظور معاضدت در انجام وظایف رئیس کل دادگاهها به تعداد نیاز حسب تصویب شورای عالی قضائی به پیشنهاد رئیس کل از بین قضات بعنوان معاون تعیین میگردد . در مراکز استان در صورت اقتضاء برای رئیس کل یک معاون تعیین خواهد شد .

ماده ۱۸۸ - رئیس کل دادگاههای هر شهرستان بعنوان رئیس دادگستری آن شهرستان بر کلیه دادگاههای حقوقی و کیفری و مدنی خاص و دادرای عمومی محل نظارت و ریاست اداری دارد . همچنین رئیس دادگستری شهرستان مرکز استان ریاست اداری و نظارت بر امور دادگستریهای شهرستانهای حوزه آن استان را خواهد داشت .

تبصره ۱ - روسای دادگستری مکلفند در امور اداری دادرها موافقت دادستان محل را جلب نمایند .

تبصره ۲ - تصدی امور اداری در غیاب رئیس دادگستری با دادستان همان شهرستان و در غیاب هر دو با رئیس شعبه دوم و در صورت عدم تشکیل شعبه دوم با دادرس علی البدل است .

ماده ۱۸۹ - شورای عالی قضایی میتواند بمنظور جلوگیری از تراکم پرونده‌ها و جهت تسریع در رسیدگی و جلوگیری از تعویق پرونده‌ها قضات دادگاه حقوقی اعم از یک یا دو ویا مدنی خاص را با حفظ سمت مامور رسیدگی به پرونده‌های کیفری و یا قضات دادگاههای کیفری را حسب ضرورت فوق با حفظ سمت مامور رسیدگی به پرونده‌های حقوقی نماید .

### فصل دوم - رسیدگی دادگاههای کیفری

#### مبحث اول - در شروع رسیدگی

- ماده ۱۹۰ - دادگاههای کیفری در موارد زیر شروع به رسیدگی می نماید .
- ۱- اقامه دعوی و شکایت شاکی یا مدعی خصوصی به واسطه وقوع جرم یا ضرر و زیانی که از جرم به آنان وارد آمده است .
  - ۲- در مورد جرائم مشهود .
  - ۳- اعلام و اخبار ضابطین دادگستری یا اشخاص ظاهرالصلاح و یا کسانی که از قولشان اطمینان حاصل شود ( در جرائمی که دارای جنبه عمومی است )
  - ۴- تقاضانامه یا کیفرخواست دادسرا .
  - ۵- بموجب حکم دادگاه کیفری دو در تعقیب امر جزائی در مورد اختلاف عقیده بین بازپرس و دادستان .
  - ۶- رسیدگی به قراردادهای قابل اعتراض صادره از طرف قضات دادسرا .
  - ۷- سایر مواردی که در قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی پیشبینی شده باشد .
- ماده ۱۹۱- مدعیان خصوصی میتوانند شخصا یا توسط وکیل شکایت نمایند .
- ماده ۱۹۲- در مواردی که شکات و مدعیان خصوصی شخصا یا توسط وکیل مستقیما بدادگاههای کیفری شکایت و اقامه دعوی مینمایند بایستی در عرضحال خود موارد زیر را مشروحا قیدکنند .
- ۱- نام و نام خانوادگی و نام پدر و نشانی دقیق خود .
  - ۲- موضوع شکایت و ذکر اینکه در چه تاریخی و در کجا واقع شده است .
  - ۳- ضرر و زیانی که به مدعی وارد شده و مورد مطالبه است .
  - ۴- ذکر مشخصات و نشانی مشتکی عنه یا مظنون .
  - ۵- ذکر اسامی و مشخصات و نشانی مطلعین و سایر ادله .
  - ۶- تاریخ وقوع .

## تعلیل

تبصره - چنانچه عرضحال ناقص یا شفاهی باشد مراتب در صورت جلسه تنظیمی وسیله دفتر دادگاه منعکس به امضاء یا اثر انگشت شاکی میرسد و اگر نتواند امضاء نماید یا انگشت بزند مراتب قید می شود .

ماده ۱۹۳ - هرگاه طرف مدعی غیرمعین بوده یا دلایل اقامه دعوی کافی نباشد و موضوع مهم و صرفنظر از شکایت مدعی خصوصی قابل تعقیب و رسیدگی باشد، دادگاه کیفری تحقیقات لازم را از ضابطین دادگستری می خواهد .

ماده ۱۹۴ - ضابطین دادگستری هرگاه جرائمی را کشف نمایند که راجع به دادگاههای کیفری است و صرفنظر از وجود یا فقد مدعی یا شاکی قابل تعقیب باشد به محاکم کیفری با ذکر موارد زیر اطلاع میدهند .

- ۱- محل و تاریخ وقوع جرم .
- ۲- مشخصات مظنون .
- ۳- دلایل جرم .
- ۴- شاکی دارد یا خیر .
- ۵- مشخصات شهود .
- ۶- نشانی کامل طرفین پرونده و مطلعین .

ماده ۱۹۵ - در موارد زیر ضابطین دادگستری ضمن اعلام جرم میتوانند متهم را به دادگاههای کیفری معرفی نمایند .

- ۱- هرگاه مرتکب در حین ارتکاب جرم دستگیر شده و محل اقامت او معین نیست و نمی توان اطمینان به اظهار او در باب اسم و محل اقامت او حاصل نمود .
- ۲- در صورتیکه عمل مرتکب مستلزم مجازات حبس یا قصاص یا دیه یا حد است و احتمال می رود که آثار عمل ارتکاب خود را معدوم نماید یا فرار کند .

ماده ۱۹۶ - در جرائم عمدی که در صلاحیت دادگاه کیفری یک است قبل از محاکمه، تحقیقات مقدماتی و بازپرسی بعمل می آید ولی این امر مانع از آن نخواهد بود که دادگاههای کیفری نظر باوضاع و احوال قضیه تعقیب و محاکمه متهم را مستقیماً در دادگاه آغاز نماید، در اینگونه موارد دادگاه می تواند تحقیقات مقدماتی را راساً انجام داده و یا انجام آنرا از دادسرا بخواهد و در آن نظارت نماید، در سایر موارد و همچنین در مواردی که با شکایت مستقیم مدعی خصوصی تعقیب و محاکمه انجام می شود، دادگاه کیفری نظر به اوضاع و احوال قضیه میتواند بدون تحقیقات مقدماتی و بازپرسی شروع به محاکمه نماید .

تبصره - در مواردی که پرونده متهم مستقیماً در دادگاه مطرح شده و از متهم قبلاً تامین اخذ نگردیده باشد اخذ تامین لازم از متهم به عهده دادگاه خواهد بود .

## تعلیقات

### مبحث دوم - در احضار

- ماده ۱۹۷ - متهم یا مقصر بوسیله احضاریه کتبی برای رسیدگی احضار میشود .
- ماده ۱۹۸ - در احضاریه نکات زیر باید قید شود .
- ۱ - مشخصات احضار شونده .
  - ۲ - دادگاه احضار کننده .
  - ۳ - جهت احضار .
  - ۴ - نتیجه عدم حضور .
- تبصره - ترتیب ابلاغ احضاریه در امور جزائی و ابلاغ احکام همان است که در آئین دادرسی حقوقی مقرر است .
- ماده ۱۹۹ - فاصله بین ابلاغ احضاریه و موعد احضار لا اقل ۳ روز است و هرگاه امر از امور فوری باشد ، میتوان متهم را زودتر احضار کرد و در هر حال مقررات مذکور در آئین دادرسی حقوقی در مورد مسافت لازم الرعایه است .
- ماده ۲۰۰ - هرگاه متهم بدون عذرموجه حاضر نشود و وکیل هم نفرستد در صورتیکه دادگاه حضور متهم را لازم نداند ، رسیدگی و حکم صادر می کند و در صورتیکه دادگاه حضور متهم را لازم بداند شخص متهم احضار و اگر حاضر نشود ، جلب خواهد نمود .

### مبحث سوم - در وکالت

- ماده ۲۰۱ - در کلیه امور جزائی متهم میتواند حداقل تا دو نفر وکیل انتخاب نماید . عدم حضور یک یا هر دو وکیل بدون عذرموجه مانع رسیدگی نیست . وقت دادرسی به متهم و دادستان و وکلای مدافع طرفین ابلاغ می شود .
- تبصره - طرفین چه حاضر باشند و چه نباشند ، هر کدام حق انتخاب دو وکیل برای مدافعه دارند .
- ماده ۲۰۲ - وکالت و تعیین معرفی وکیل در دادگاههای کیفری یک و دو اختیاری است و مدعی خصوصی و متهم در هر مرحله ای از رسیدگی میتوانند وکیل خود را به دادگاه معرفی نمایند .
- تبصره ۱ - متهم میتواند از دادگاه تقاضا کند وکیلی برای او تعیین نماید . هرگاه دادگاه احراز نماید متهم امکانات و توانائی انتخاب وکیل را ندارد ، از میان وکلای مجاز حوزه قضائی دادگاه در صورت نبودن وکیلی در آن حوزه از نزدیکترین حوزه مجاور وکیلی برای متهم تعیین میکند وگرنه درخواست متهم را رد می نماید . اقدامات وکیل مجانی است مگر اینکه درخواست تعیین حق الوکاله نماید ، که دادگاه میزان حق الوکاله وکیل را متناسب



## تعلیق

با کار تعیین می نماید. بهر صورت این میزان نباید از تعرفه قانونی تجاوز کند. مبلغ مذکور از ردیف مربوط در بودجه دادگستری پرداخت خواهد شد.

تبصره ۲ - تقاضای تغییر وکیل تسخیری از طرف متهم جز در موارد مذکور در ماده ۲۰۸ قانون آئین دادرسی مدنی پذیرفته نیست.

### مبحث چهارم - در رد دادرسان

ماده ۲۰۳ - دادرسان دادگاههای کیفری در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع نمایند و طرفین نیز میتوانند آنها را رد کنند.

الف - وجود قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس یا یکی از طرفین یا اشخاصی که در امر جزائی دخالت دارند.

ب - در صورتیکه دادرس قیم یا مخدوم یکی از طرفین باشد یا یکی از طرفین مباشر یا متکفل امور دادرس باشد.

ج - در صورتیکه دادرس یا عیال یا اولاد او وارث یکی از اشخاصی که در امر جزائی دخالت دارند بوده باشد.

د - در صورتیکه دادرس در همان امر جزایی بعنوان بازپرس یا دادستان یا دادیار اظهار نظر نموده یا جزء شهود یکی از طرفین باشد.

ه - وقتی که بین دادرس و یکی از طرفین یا زوجه او دعوی حقوقی یا جزائی مطرح باشد و یا سابقاً مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی دو سال نگذشته باشد.

و - وقتی که دادرس یا زوجه او نفع شخصی در موضوع مطروحه داشته باشد.

ماده ۲۰۴ - رد دادرسان در صورت وجود جهت یا جهاتیکه در ماده قبل مذکور است، باید تا اولین جلسه رسیدگی بعمل آید مگر اینکه جهت رد بعداً حادث یا کشف شود. در موارد مذکور باید خود دادرسان هم از رسیدگی امتناع نمایند.

ماده ۲۰۵ - اظهار رد به دادرس دادگاه تسلیم می شود هرگاه دادرس خود را مردود بداند، از رسیدگی امتناع مینماید و رسیدگی به دادرس علی البدل یا شعبه دیگر ارجاع می شود و در صورت نبودن دادرس علی البدل و شعبه دیگر پرونده جهت رسیدگی به نزدیکترین دادگاه فرستاده میشود.

تبصره - هرگاه دادرس رد را قبول نکرد باید به رسیدگی ادامه دهد و ایراد کننده می تواند ضمن تجدید نظر از حکم بمابین موضوع اعتراض و تقاضای رسیدگی نماید.

### مبحث پنجم - در ترتیب رسیدگی

ماده ۲۰۶ - هرگاه دادگاههای کیفری چه قبل از تعیین وقت رسیدگی و چه هنگام

## تعالین

محاكمه تشخیص دهند که بعلت گذشت شاکی خصوصی درموارد قابل گذشت بودن یا جهات قانونی دیگر متهم قابل تعقیب نیست یا دادگاه صالح به رسیدگی نمی باشد . یا تحقیقات ناقص است ، یا ایراد رد دادرسی شده است ، حسب مورد قرار موقوفی تعقیب یا عدم صلاحیت یا تکمیل تحقیقات یارد یا عدم قبول ایراد صادر می کند .

تبصره - در مورد تغییرات در حوزة بندیهای دادگاهها تاریخ صدور کیفرخواست ملاک عمل است و دادگاههایی که کیفرخواست به آنها تسلیم شده است یا قبل از تغییرات شروع به رسیدگی نموده اند ، صالح به رسیدگی خواهند بود .

ماده ۲۰۷ - محاکمات دادگاه کیفری علنی است باستثنای موارد ذیل .

۱ - در جرائم منافی عفت .

۲ - در مورد اعمال شنیعه و جرائمی که برضد اخلاق حسنه است .

۳ - در اقداماتی که برضد احساسات مذهبی می شود .

۴ - در مواردی که علنی بودن محاكمه مخل امنیت و انتظام مملکتی باشد .

۵ - در امور راجع به خانواده یا دعاوی خصوصی ، هرگاه طرفین درخواست کنند

محاكمه علنی نباشد .

تبصره - اخلال نظم دادگاه از طرف متهم یا سایر اشخاص موجب غیر علنی شدن محاكمه نیست و باید به وسایل مقتضی نظم برقرار شود . رئیس دادگاه میتواند کسانی را که باعث اخلال نظم می شوند از یک تا پنج روز توقیف نماید . امر رئیس قطعی و بلافاصله باید اجراء شود ، دادگاه قبل از شروع به رسیدگی مفاد این تبصره را به اشخاصی که در دادگاه حاضرند تذکر می دهد .

ماده ۲۰۸ - حضور اشخاصی که دارای سن کمتر از پانزده سال تمام باشند در دادگاه کیفری بعنوان تماشاچی ممنوع است و عده تماشاچی در محکمه باید به اندازه وسعت مکان باشد .

ماده ۲۰۹ - در مواردیکه دادستان بموجب کیفرخواست تقاضای تعقیب متهم را مینماید رونوشت کیفرخواست و نام اشخاصی که به دادگاه احضار می شوند در احضاریه متهم قید میگردد و بماو تذکر داده می شود چنانچه مایل باشد و کیلی انتخاب و به دادگاه معرفی نماید .

ماده ۲۱۰ - متهم یا وکیل او حق دارد بعد از آنکه حاضر شد به دفتر دادگاه رفته از پرونده اظهارات مدعی خصوصی و دادستان نسبت به خود اطلاعات لازمه را تحصیل نماید .

ماده ۲۱۱ - هرگاه دادستان یا متهم و یا مدعی خصوصی تقاضای تحقیق از اشخاصی



## تعلات

راکه در دادگاه حاضر باشند بنمایند ولو اینکه قبلا احضار نشده باشند دادگاه مکلف به قبول آن تقاضاست و تحقیقات لازم را از آنها بعمل خواهد آورد .

ماده ۲۱۲ - مطلعین یا شهود تحقیق را اگر طرفین خودشان به دادگاه نیاورده اند ، توسط دادگاه احضار می شوند .

ماده ۲۱۳ - هرگاه شهود بدون عذر موجه در روز مقرر حاضر نشوند ، به حکم دادگاه جلب خواهند شد .

تبصره - مقررات مذکور در مواد ۱۱۰ و ۱۴۰ این قانون راجع به معاذیر موجهه و نحوه احضار مطلعین و شهود تابعین نظامی یا انتظامی در دادگاه نیز لازم الرعایه است .

ماده ۲۱۴ - هرگاه عده شهود زیاد بوده و تماما در یک محل مقیم باشند یا شاهد بواسطه مرض نتواند در دادگاه حاضر شود ، در محل یا در منزل آنان استماع شهادت آنان بعمل خواهد آمد .

ماده ۲۱۵ - هرگاه تحقیق در حوزه دادگاه دیگری لازم باشد دادگاه رسیدگی کننده میتواند به آن دادگاه نیابت قضایی بدهد که تحقیقات لازم را انجام بدهد . این تحقیقات ممکن است در مورد متهم یا شهود یا مطلعین یا امور دیگر باشد .

ماده ۲۱۶ - مقررات مربوط به معاینه محل و جلب نظر خبره و بازرسی از منازل و اماکن و کشف آلات و ادوات جرم و تحقیقات محلی مذکور در مباحث سوم و هفتم و همچنین ماده ۱۴۸ این قانون راجع به خسارت و هزینه ایاب و ذهاب برای دادگاه نیز لازم الرعایه می باشد وظایفی که در مباحث مزبور برای بازپرس تعیین شده با قاضی دادگاه است .

ماده ۲۱۷ - شهادت اشخاص زیر پذیرفته نمی شود .

۱ - شهادت اشخاص ولگرد و کسانی که تکدی را شغل خود قرار دهند .

۲ - اشخاص معروف به فساد اخلاق .

۳ - کسی که نفع شخصی در دعوی داشته باشد .

۴ - شهادت دیوانه در حال دیوانگی .

۵ - کسانی که عدالت شرعی آنها محرز نباشد .

۶ - شهادت وکیل طرفین نسبت به اقرار موکل خود .

ماده ۲۱۸ - زوج یا زوجه متهم یا متهمه و همچنین اسلاف و اعقاب و برادر و خواهر او می توانند از ادای شهادت امتناع نمایند و اگر امتناع نکردند ، بدون التزام شهادت آنان شنیده می شود .

ماده ۲۱۹ - دادگاه شهادت اشخاص ذیل را بدون خواستن التزام استماع می نماید .

اول - اشخاصی که به حد بلوغ نرسیده اند .



## تعلیل

دوم - اشخاص مفصله ذیل در صورتیکه یکی از طرفین آنان را رد کرده باشند .

۱- اشخاصی که به واسطه ارتکاب جرائم مهم محکوم به مجازات شده‌اند .

۲- زوج یا زوجه مدعی خصوصی و اقربای او تا درجه سوم از طبقه دوم .

۳- اشخاصی که قیم یا ولی یا مباحث امور یکی از طرفین هستند یا یکی از طرفین محاکمه دارند

ماده ۲۲۰- با استثنای موارد مندرج در دو ماده قبل شهود تحقیق و مطلعین قبل از

ادای شهادت بنحو مذکور در ماده ۱۴۳ این قانون باید سوگند یاد نمایند .

تبصره - تشخیص درجه ارزش و تاثیر شهادت شهود و اظهارات مطلعین بنظر

دادگاه است .

مبحث ششم - در کیفیت محاکم و حکم

ماده ۲۲۱- متهم در صورتیکه بازداشت باشد آزادانه در معیت ماموران مراقب در

دادگاه حضور می‌یابد . دادگاه پس از تشکیل جلسه بدواً هویت شاکی یا مدعی خصوصی را

استعلام و شکایت و دعوی ضرر و زیان او را استماع می‌نماید و هویت متهم را از قبیل

نام و نام خانوادگی ، نام پدر ، سن ، شغل ، عائله مندی ، نشانی و محل اقامت و غیره

تحقیق سپس به متهم و حاضرین اخطار می‌کند در موقع محاکمه چیزی خلاف حقیقت و

وجدان و قوانین و ادب و نزاکت نگویند . بعد از آن منشی دادگاه کیفرخواست دادسرا و

دادخواست مدعی خصوصی را قرائت می‌نماید . سپس دادگاه موضوع اتهام و دادخواست

مدعی و تمامی ادله شکایت و اتهام را به متهم تفهیم و شروع به رسیدگی و تحقیق مینماید .

ماده ۲۲۲- رسیدگی به ترتیب ذیل خواهد بود .

۱- تحقیق از متهم دائر بر اینکه آیا اتهام وارده را قبول دارد یا نه ؟ پاسخ متهم

عیناً در صورت جلسه قید می‌شود .

۲- استماع اظهارات دادستان یا نماینده او و شهود و اهل خبره‌ای که دادستان

معرفی کرده است .

۳- استماع اظهارات مدعی خصوصی و شهود و اهل خبره‌ای که مدعی خصوصی معرفی

کرده است .

۴- استماع اظهارات متهم و شهود و اهل خبره که متهم یا وکیل او معرفی می‌کند .

۵- رسیدگی به آلات و ادوات جرم و استماع اظهارات وکیل متهم .

۶- رسیدگی به دلائل جدیدی که بعداً از طرف متهم یا وکیل او به دادگاه تقدیم

می‌شود .

دادگاه مکلف است خلاصه اظهارات طرفین دعوی و عین اظهارات یک طرف را که

مورد استناد طرف دیگر باشد و همچنین عین اظهارات شهود و اهل خبره را در

## تعلیقات

صورت مجلس منعکس کند و هرگاه دادستان مجدداً اجازه نطق بخواهد به متهم یا وکیل او نیز اجازه داده می شود ولی این اجازه به هریک از طرفین بیش از یک بار داده نخواهد شد و پس از خاتمه مذاکرات ، دادگاه یک بار دیگر به عنوان آخرین دفاع به متهم یا وکیل او اجازه صحبت داده و رسیدگی را ختم می کند .

تبصره - هرگاه متهمی اقرار به ارتکاب جرمی نماید و اقرار او صریح و موجب هیچگونه شک و شبهه ای نباشد و قرائن و امارات نیز موید این معنی باشند ، دادگاه مبادرت به صدور رای مینماید ، مگر در مواردی که بایک اقرار جرم ثابت نمی شود . در صورت انکار یا سکوت متهم یا وجود تردید در اقرار یا تعارض با ادله دیگر ، دادگاه شروع به تحقیقات از شهود و متهم نموده و به ادله دیگر نیز رسیدگی می نماید .

ماده ۲۲۳ - دراموری که ممکن است باصلح طرفین قضیه خاتمه پیدا کند دادگاه مساعی لازم و جهد وافی در اصلاح ذاتالبین به عمل می آورد و هرگاه موفق نشد رسیدگی و رای مقتضی صادر می نماید .

ماده ۲۲۴ - قبل از تحقیق از گواهان مجازات شهادت خلاف واقع به آنان تفهیم می شود .

ماده ۲۲۵ - دادگاه مکلف است از گواهان منفرداً تحقیق نماید و برای عدم ارتباط گواهان بایکدیگر و یا بامتهم اقدامات لازم معمول دارد و بعد از تحقیق انفرادی دادگاه می تواند برحسب تقاضای متهم یا مدعی خصوصی یا دادستان یا بنظر خود مجدداً منفرداً یا مجتمعاً از گواهان تحقیق نماید . قبل از شروع به تحقیق ( نام ، نام پدر ، نام خانوادگی ، سن ، شغل ) درجه قرابت نسبی ، سببی و سمت خادم و مخدومی با مدعی خصوصی و متهم و غیره تعیین می گردد و مندرجات ماده ۱۴۳ این قانون را نیز رعایت می نماید .

ماده ۲۲۶ - دادگاه سوالاتی را که برای رفع اختلاف و توضیحات مساله لازم است از طرفین و شهود آنان خواهد نمود در صورتیکه متهم جواب سوالات را ندهد ، دادگاه بدون اینکه متهم را به دادن جواب مجبور کند ، رسیدگی را ادامه می دهد .

ماده ۲۲۷ - هر بار که دادگاه شهادت شاهد طرفی را استماع می نماید ، به طرف دیگر اعلام می دارد که اگر از شاهد سوالی لازم میدانند ، بنمایند .

ماده ۲۲۸ - قطع کلام گواهان در اثناء تحقیق ممنوع است ، هریک از اصحاب دعوی که سوالی داشته باشد ، باید به توسط دادگاه به عمل آورد .

ماده ۲۲۹ - گواهان نباید بعد از ادای شهادت تازمانی که دادگاه تعیین می نماید ، متفرق شوند .

تعالی

شماره

تاریخ

پیوست

ماده ۲۳۰ - هرگاه محکمه‌ای از شهود و ارباب اطلاع کسب اطلاع نماید و بعد معلوم شود که خلاف واقع گفته‌اند اعم از اینکه بر نفع یا ضرر یکی از طرفین دعوی باشد، علاوه بر مجازات شهادت خلاف واقع اگر شهادت جعلی آنان موجب خسارتی شده محکوم به تادیبه آن می‌شوند.

ماده ۲۳۱ - در صورتیکه متهم یا مدعی خصوصی یا گواه فارسی نداند، دادگاه ۲ نفر را برای ترجمه تعیین می‌کند، مترجم باید متعهد شود و قسم یاد کند که همه اظهارات را بطور صحیح و بدون تغییر، ترجمه نماید.

ماده ۲۳۲ - متهم و دادستان و مدعی خصوصی می‌توانند مترجم را رد کنند. ولی رد مترجم باید مدلل باشد. رد یا قبول مترجم بنظر دادگاه است و نظر دادگاه قطعی می‌باشد. موارد رد مترجم همان جهات عدم پذیرش شهادت شاهد است.

ماده ۲۳۳ - در صورتیکه مدعی خصوصی یا متهم یا مطلعین کر یا گنگ باشند، دادگاه اقدام لازم برای تحقیق از آنها بوسیله اشخاص دیگر معمول خواهد داشت.

ماده ۲۳۴ - هرگاه یکی از طرفین ایراد موجهی به صحت تحقیقات ضابطین بنماید، دادگاه باید تحقیقات لازم را راسا انجام دهد.

ماده ۲۳۵ - در صورتیکه دادگاه بازداشت متهم را برای انجام شدن محاکمه لازم بداند، میتواند قرار بازداشت متهم را تا ختم محاکمه در دادگاه صادر نماید. این قرار قابل شکایت نیست و مدت بازداشت از یک ماه نباید تجاوز کند.

ماده ۲۳۶ - اقامه دعوی کیفری از طرف دادستان دادگاه را در حدود صلاحیت خود مکلف به رسیدگی و صدور حکم به همان جرمهایی می‌نماید که در کیفرخواست قید شده و خارج از آن حق رسیدگی ندارد.

ماده ۲۳۷ - در دعوی ضرر و زیان دادگاه علاوه بر رسیدگی به دلایل مورد استناد طرفین هرگونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم باشد انجام خواهد داد. در مواردی که بردادگاه معلوم باشد استناد یا تقاضای یکی از طرفین موثر در اثبات ادعا نیست دادگاه می‌تواند با استدلال از ترتیب اثر دادن آن خودداری کند.

ماده ۲۳۸ - در صورتیکه پرونده‌ای دارای متهم اصلی و معاون و شریک بوده و در دادگاه حاضر باشند تحقیقات از متهم اصلی شروع می‌شود.

ماده ۲۳۹ - در کلیه جرائم در صورتیکه متهمین متعدد و یا معاون و شریک داشته باشند و به یک یا چند نفر از آنها دسترسی نباشد، دادگاه میتواند رسیدگی را تفکیک و تکلیف متهمین حاضر را معین نماید و پرونده نسبت به غائبین مفتوح خواهد ماند.

ماده ۲۴۰ - رئیس یا عضو علی‌البدل یا مشاور دادگاه قبل از اعلام رای در باب برائت یا مجرمیت متهم نباید علنا اظهار عقیده نمایند.



## تعالیه

ماده ۲۴۱- محاکمه پس از شروع تعطیل نمی شود در صورتیکه محاکمه طولانی باشد، دادگاه بقدر لزوم تنفس خواهد داد .

ماده ۲۴۲- رئیس دادگاه کیفری ۱ پس از رسیدگی و محاکمه متهم و مطالعه پرونده و نظریه مشاور هرگاه نظرش منتهی به برائت متهم و یا به کیفری کمتر از کیفرهای مندرج در ماده ۱۷۸ باشد ، راسا مبادرت به انشاء حکم می کند و این حکم بجز در موارد مذکور در قانون تعیین موارد تجدید نظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی آن قطعی است و هرگاه نظرش منتهی به کیفرهای مذکور شد بدون انشاء رای بدو نظر و استنباط قضایی خود را بطور کتبی موجها به دیوان عالی کشور ارسال می دارد . دیوان عالی کشور با ملاحظه نظریه دادگاه و محتویات پرونده امر چنانچه نظر را صحیح و موجه تشخیص داد آنرا تنفیذ و پرونده را اعاده می نماید تا رئیس دادگاه انشاء حکم نماید که در این صورت رای صادره قطعی است .

ماده ۲۴۳- نظرات دادگاه کیفری یک که منتهی به کیفرهای مندرج در ماده ۱۷۸ می شود اعم از اینکه طرفین دعوی یا دادستان دادگاه اعتراض کرده باشند یا نه ، در دیوان عالی کشور مطرح و مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت .

ماده ۲۴۴- هرگاه دیوان عالی کشور نسبت به نظریه قضائی دادگاه کیفری یک ایراد داشته یا نقائصی ببیند نظر خود را مستدلا می نویسد و پرونده را به دادگاه رسیدگی کننده ارسال می دارد . اگر دادگاه نظر دیوان عالی کشور را پذیرفت بر آن اقدام و حکم مقتضی صادر خواهد نمود ، در غیر این صورت پرونده را نزد ریاست کل دادگاهها ارسال مینماید تا حسب الارجاع در شعبه دیگری رسیدگی ماهوی شود . شعبه مرجوع الیه نیز پس از رسیدگی و رفع نقص مورد نظر دیوان عالی کشور چنانچه نظر دیوان عالی کشور را پذیرفت مطابق آن انشاء حکم می نماید و الا نظر خود را برای پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال می دارد . در صورتیکه شعبه دیوان عالی کشور نظریه اخیر را موجه تشخیص دهد آنرا تنفیذ و پرونده را جهت انشاء حکم به دادگاه اخیر عودت می دهد و چنانچه به نظریه قبلی خود باقی باشد پرونده در هیات مرکب از قضات دو شعبه کیفری دیوان عالی کشور که از ۵ نفر کمتر نباشد با انتخاب رئیس دیوان عالی کشور مطرح و طبق نظرا کثرت مطلق اعضاء به یکی از طرق زیر عمل می شود .

۱- در صورتیکه هیات مزبور نظریکی از شعب دادگاه کیفری ۱ را صحیح و موجه تشخیص دهد ، پرونده را به همان شعبه رسیدگی کننده ارسال می دارد که انشاء حکم نماید .

۲- نظرات قضایی دو شعبه رسیدگی کننده مشابه و هردو صحیح و موجه است . در این صورت پرونده به شعبه رسیدگی کننده ثانوی جهت انشاء حکم ارسال می شود .

۳- در غیر موارد مذکور در فوق (طبقاً) نظریه اکثریت مطلق اعضاء هیات یکی از دو شعبه تشکیل دهنده هیات مزبور به موضوع ماهیتا رسیدگی و حکم مقتضی را انشاء مینماید . حکم صادره قطعی است .



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ماده ۲۴۵- دادگاههای کیفری پس از ختم رسیدگی با استعانت از خداوند متعال و وجدان و با توجه به محتویات پرونده و ادله موجود حداکثر ظرف مدت یک هفته مبادرت به صدور رای می نماید و بعد از صدور رای جلسه رسمی دادگاه با حضور متهم و دادستان تشکیل و رای دادگاه با ذکر مواد قانونی و جهات شرعی توسط منشی دادگاه با صدای رسا خوانده و مفاد رای توسط دادگاه به متهم تفهیم می شود .

در صورتیکه رای بر براءت یا تعلیق مجازات متهم باشد ، مشارالیه فوری آزاد می گردد . مگر آنکه از جهات دیگری بازداشت باشد .

در موقع اعلام رای چنانچه متهم به هر علتی حضور نداشته باشد رای صادره برای ابلاغ به نشانی او ارسال می شود .

تبصره - حکم بعد از اعلام باید ظرف ۳ روز پاکنویس و نکات ذیل در پاک نویس تصریح گردد .

الف - تاریخ حکم .

ب - نام و نام خانوادگی و نام پدر اشخاصی که در امر جزائی دخالت داشته اند .

ج - دلایل مدرک حکم .

د - ماهیت حکم و قوانینی که مبنای حکم است .

ماده ۲۴۶- احکام دادگاههای کیفری باید مستدل و موجه بوده مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است دادگاهها مکلفند حکم هر قضیه را در قوانین مدونه بیابند و اگر قانونی نباشد با استناد به منابع فقهی معتبر یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نمایند و دادگاهها نمیتوانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به شکایات و دعاوی و صدور حکم امتناع ورزند .

ماده ۲۴۷- احکام دادگاهها باید به امضاء صادرکننده برسد و ماهی دو مرتبه اصل احکام را دادستان مطالبه کرده ملاحظه می کند . منشی دادگاه نمی تواند قبل از امضای حکم رونوشتی از آن به کسی بدهد . والا از شغل خود معزول شده و دیگر به خدمت دولتی اعاده نخواهد شد .

ماده ۲۴۸- حکم دادگاه در صورت مجلس یا در دفتر مخصوص ثبت می شود و رونوشت آن را دادگاه در صورت تقاضای یکی از طرفین باید تا روز سوم بدهد .

ماده ۲۴۹- هرگاه متهم برای اتهام مورد محاکمه بازداشت باشد در صورت تیرتیه فوراً آزاد می شود .

مبحث هفتم - در احکام غیابی

ماده ۲۵۰- در کلیه جرائم بجز جرائم واموریکه جنبه حق الهی دارند هرگاه متهم

## تعالیه

یا وکیل او در هیچیک از جلسات دادگاه حاضر نشده و لایحه دفاعیه نفرستاده باشند حکم غیابی است و محکوم علیه غایب حق اعتراض دارد مگر آنکه رضایت او به حکم یا اعتراض از این حق ثابت شود رسیدگی به اعتراض در دادگاه صادرکننده حکم غیابی بعمل می آید .

تبصره ۱ - حکم غیابی پس از ابلاغ قابل اجراست اعتراض مانع اجرای حکم غیابی نیست مگر آنکه دادگاه به تقاضای محکوم علیه با توجه به اوضاع و احوال پرونده و کیفیت امر اجرای حکم را تا رسیدگی به اعتراض متوقف نماید و عندالاقضی نسبت به اخذ تامین یا تجدیدنظر در تامین قبلی اقدام کنند .

تبصره ۲ - هرگاه متهم در جلسه دادرسی حاضر بوده و دفاع نموده باشد ولی در فاصله تنفس یا ادامه دادرسی بدون عذرموجه غایب شود ، دادگاه رسیدگی را ادامه خواهد داد . حکمی که صادر می شود حضوری است .

ماده ۲۵۱ - هرگاه متهم در موعد مقرر حاضر نشود ولی قبل از صدور حکم حاضر شود دادگاه باید دلائل او را استماع نماید و حکمی که پس از آن صادر می شود غیابی محسوب نمی شود .

ماده ۲۵۲ - هرگاه متهم اعتراض بر حکم غیابی نماید و در رسیدگی مجدد، مدعی خصوصی بدون عذرموجه حاضر نشود محکمه رسیدگی را به تأخیر نینداخته اظهارات و توضیحاتی را که مدعی خصوصی در حین محاکمه غیابی سابق داده است در نظر می گیرد و حکم میدهد .

ماده ۲۵۳ - هرگاه محکوم علیه پس از صدور حکم حاضر شده و اعتراض بر حکم نماید ، در صورتیکه اعتراض او وارد باشد ، آن حکم فسخ و حکم مجدد صادر می شود در غیر این صورت حکم به اعتبار خود باقی میماند .

ماده ۲۵۴ - هرگاه پس از صدور حکم غیابی شخص متمدن حاضر شده ، اعتراض و درخواست تجدید رسیدگی بنماید ، باید خسارت وارده بر طرف را که مطالبه و ثابت شده از عهده برآید .

ماده ۲۵۵ - در جرائم واموری که جنبه حق الهی دارند محاکمه باید با حضور متهم صورت گیرد و در چنین مواردی دادگاههای کیفری مجاز به محاکمه و صدور حکم غیابی نمی باشند .

مبحث هشتم - در تجدیدنظر

ماده ۲۵۶ - موارد تجدیدنظر نسبت به احکام و قرارهای دادگاههای کیفری و چگونگی رسیدگی به آن و مرجع تجدیدنظر به استثناء مواردیکه در این قانون تصریح گردیده



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنحوی است که در قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی آنها پیش بینی شده است .

ماده ۲۵۷ - در مواردیکه دادگاه کیفری یک به پرونده هائیکه در صلاحیت دادگاه کیفری دو است رسیدگی مینماید رسیدگی تجدیدنظر نسبت به حکم یا قرار صادره بعهده شعبه دیگر دادگاه کیفری یک همان حوزه قضائی میباشد و در صورت وحدت شعبه ، رسیدگی مزبور بانزدیکترین دادگاه کیفری یک خواهد بود .

ماده ۲۵۸ - هرگاه در تطبیق عمل با مواد کیفری و احتساب مدت مجازات و محاسبه جریمه و جزای نقدی و ضرر و زیان مدعی خصوصی و یادکر اسم و مشخصات متهم و مدعی خصوصی و مانند آن از طرف دادگاه صادرکننده حکم اشتباهی رخ داده باشد دادگاه صادرکننده حکم حق اصلاح اشتباه موارد فوق را دارد و هرگاه پرونده در مرجع تجدیدنظر مطرح شده باشد مرجع مزبور بدون اینکه اساس حکم رانقض نماید ، اشتباه را رفع نموده و حکم را تصحیح مینماید .

ماده ۲۵۹ - در صورتیکه شاکی یا مدعی خصوصی با ارائه ادله و اسناد جدید مدعی گناهکاری متهمی باشد که براءت حاصل کرده است می تواند از مرجع صادرکننده حکم براءت درخواست تجدید رسیدگی نماید . رسیدگی در این مورد تابع قواعد و اصول و ترتیباتی است که برای امور کیفری مقرر است و اعتراض و تجدیدنظر موافق همان اصول می شود .

تبصره - چنانچه حکم براءت در مرجع تجدیدنظر تایید شده باشد دادگاه بدوی صادرکننده حکم براءت صالح برای رسیدگی نسبت به درخواست مزبور خواهد بود .

ماده ۲۶۰ - هرگاه رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور آراء هر یک از محاکم اعم از حقوقی ، کیفری ، مدنی خاص ، انقلاب و نظامی را اولوایتی که در مقام تجدیدنظر صادر شده باشد نسبت به موارد تجدیدنظر مذکور در قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی آنها قابل تجدیدنظر بدانند حق درخواست تجدیدنظر بنحوی مذکور در قانون مذکور را دارند .

### فصل سوم - دیوان عالی کشور

ماده ۲۶۱ - دیوان عالی کشور در تهران تشکیل می شود اگر شورای عالی قضائی مصلحت بداند میتواند در شهرستان دیگری نیز تشکیل دهد .

ماده ۲۶۲ - شعب دیوان عالی کشور به حسب مقدار نیاز متعدد خواهد بود و ریاست همه شعب بعهده رئیس شعبه اول است و پرونده ها به دستور او به شعب دیگر ارجاع میشود .



## مجلس شورای اسلامی

و میتواند اختیارات خود را در خصوص ارجاع پرونده‌ها (و ریاست جلسات هیات عمومی به رئیس یکی از شعب دیگر و یا معاون قضایی خود محول نماید .

تبصره - رئیس دیوان عالی کشور میتواند معاون قضایی که باید واجد شرایط مذکور در ماده ۲۶۴ باشد داشته باشند .

ماده ۲۶۳ - هر یک از شعب دیوان عالی کشور از دو نفر قاضی واجد شرایط که یکی از آنها رئیس و دیگری قاضی مستشار است تشکیل می شود .

تبصره - دیوان عالی کشور به تعداد لازم برای شعب عضو معاون خواهد داشت . عضو معاون که باید دارای شرایط مذکور در ماده بعدی باشد می تواند وظایف هر یک از دو عضو شعب را عهده دار گردد . تعداد معاونین طبق نظر شورای عالی قضایی تعیین می شود و در هر حال تعداد معاونین نباید از تعداد شعب بیشتر باشد .

ماده ۲۶۴ - اعضاء شعب باید یا مجتهد باشند و یا ۱۰ سال تمام در درس خارج شرکت نموده باشند و یا دارای ۱۰ سال سابقه کار قضایی و یا وکالت بوده و آشنایی کامل به قوانین مدون اسلامی داشته باشند .

تبصره - تشخیص دارا بودن شرایط فوق بعهدده شورای عالی قضایی است .

ماده ۲۶۵ - هر یک از اعضاء شعب دیوان عالی کشور موظف است پرونده ارجاعی را با حفظ نوبت و کمال دقت مطالعه و بررسی نموده پس از مشاوره کافی بطور مستدل اظهار نظر نماید .

تبصره - پرونده‌ها کلاً به نوبت رسیدگی می شود مگر در موارد فوری که رسیدگی خارج از نوبت بعمل خواهد آمد .

ماده ۲۶۶ - در صورت اختلاف نظر بین دو عضو شعبه عضو معاون و یا یکی از قضات شعب دیگر با آنان ضمیمه و ملاک عمل نظر اکثریت خواهد بود .

ماده ۲۶۷ - متداعیین یا وکلای آنان برای رسیدگی احضار میشوند مگر آنکه شعبه دیوان عالی کشور حضور آنان را برای اداء توضیحات لازم بدانند که در این صورت کسانی که لازم است احضار میگردند و پس از استماع توضیحات آنها و اظهار عقیده دادستان کل کشور یا نماینده او شعبه مبادرت به صدور رای مینماید ولی عدم حضور احضار شدگان بدون عذر موجه صدور رای را بتأخیر نمی اندازد .

تبصره - دادستان کل کشور یا نماینده او میتواند ضمن اظهار عقیده راجع به رای دادگاه تقاضای تجدید نظر از آنرا به یک یا چند جهت پیش بینی شده برای تجدید نظر بنماید .

ماده ۲۶۸ - هرگاه در شعب دیوان عالی کشور نسبت به موارد مشابه رویه‌های مختلف



## تعالی

ایجاد شده و یا از طرف دادگاهها اعم از کیفری و حقوقی ومدنی خاص راجع به استنباط از قوانین رویه‌های مختلفی ایجاد شده باشد به درخواست رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور هیات عمومی دیوان عالی کشور حداقل با حضور سه ربع قضات شعب دیوان تشکیل می‌یابد وموضوع مختلف فیہ را بررسی کرده نسبت به آن اتخاذ نظر مینماید . نظر اکثریت هیات مزبور برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است و جز بموجب نظر هیات عمومی یا قانون قابل تغییر نخواهد بود . رای هیات عمومی در موضوعاتی که قبل از صدور آن قطعی شده بی اثر است .

### فصل چهارم - اجاله

ماده ۲۶۹ - اجاله دعوی جزایی از حوزه دادگاهی به حوزه دادگاه دیگر واقع در شهرستانهای حوزه یک استان با دادگاه کیفری یک مرکز استان است و از حوزه قضایی دادگاه شهرستانهای یک استان به حوزه دادگاه استان دیگر یا رئیس دیوان عالی کشور است . تبصره - درخواست اجاله توسط دادگاهی که مشغول رسیدگی به امری است بعمل می‌آید یا دادستان آن دادگاه و یا دادستان کل کشور .

ماده ۲۷۰ - دادگاه کیفری یک مرکز استان رسیدگی به پرونده را از حوزه دادگاهی به دادگاه دیگر همان استان در دومورد زیر اجازه میدهد . الف - در صورتیکه بیشتر متهمین یا شهود امری که اتفاق افتاده در حوزه دیگری اقامت دارند .

ب - وقتیکه محل وقوع جرم از دادگاهی که صلاحیت رسیدگی را دارد دور است و دادگاه دیگر به واسطه نزدیکی بهتر میتواند رسیدگی نماید .

ماده ۲۷۱ - رئیس دیوان عالی کشور میتواند علاوه بر موارد مذکور در ماده قبل اجازه اجاله دعوی جزائی را از یک حوزه به حوزه دیگری بدهد . در صورتیکه این اقدام رابرای صدور حکم در محکمه تالی از روی بی غرضی یا حفظ انتظام و امنیت عمومی لازم بدانند .

ماده ۲۷۲ - اجازه اجاله شامل تحقیقات مقدماتی اعم از اینکه انجام آن بعهدہ ضابطین دادگستری یا دادسرا و یا دادگاه باشد نیز خواهد بود .

بسمه تعالی

فصل پنجم - اجرای احکام جزائی

بخش اول - چگونگی اجرای احکام

- ماده ۲۷۳ - اجرای احکام در صورتیکه متوقف بر اقدام دیگری نباشد از قبیل اعلام براءت متهم و مرخص نمودن او توسط خود دادگاه بعمل می آید .
- ماده ۲۷۴ - اجرای احکام دادگاههای کیفری با دادستان است . جهت اجرای حکم دادستان میتواند از قوای انتظامی استمداد نماید . دادگاه رونوشت حکم را به دادستان ابلاغ می کند . هرگاه اطلاعات مصرحه در حکم کافی نباشد رونوشت صورتجلسات به دادستان داده می شود .
- ماده ۲۷۵ - دادستان تعلیمات لازم به مامورین جهت اجرای احکام کیفری خواهد داد و نسبت به صحت اجرا و عدم تعویق و تعطیل اجرای حکم نظارت خواهد نمود .
- اموریکه اجرای آن از وظایف مامورین انتظامی یا ادارات دولتی است به آنها راجع می شود و آنها مکلفند طبق حکم دادگاه و تعلیمات دادستان اقدام نمایند .
- ماده ۲۷۶ - هرگاه مفاد حکم دارای اجمال یا ابهامی باشد باید مامورین و ادارات ذیربط توسط دادستان به دادگاه رجوع کرده ، توضیحات لازم را بخواهند .
- ماده ۲۷۷ - چنانچه محکومیت کیفری تعزیری از نوع جزای نقدی باشد و محکوم علیه طوعاً حکم را اجرا ننماید دادستان او را ملزم به اجرای حکم خواهد نمود . در صورت امتناع دادستان با فروش اموال او حکم را اجرا خواهد کرد و در صورت امتناع از معرفی مال تا استیفاء وجوه مزبور محکوم علیه را بازداشت می نماید . در صورتیکه محکوم علیه بموجب حکم دادگاه صادرکننده حکم کیفری معسر شناخته شود و با حکم به تقسیط صادر گردد از زندان آزاد می شود و هر وقت مالی از او بدست آید ، جزای نقدی از آن استیفاء خواهد شد .
- ماده ۲۷۸ - دادسراها باید آخر هر ماه آمار اجرای احکام آن ماه را به شورای عالی قضائی اطلاع دهند .
- ماده ۲۷۹ - احکام دادگاههای کیفری پس از ابلاغ یا اعلام به محکوم علیه ، بموقع اجرا گذاشته می شود .
- ماده ۲۸۰ - هرگاه حکم براءت متهم صادر شد ، حکم بلافاصله اعلام و اجرا می شود و شخص بری الذمه اگر متهم به تقصیر دیگری نباشد ، باید از تحت مراقبت و توقیف خارج شود .
- ماده ۲۸۱ - در مورد اشخاص ذیل احکام قابل اجراء فوراً بموقع اجرا گذاشته

## بسم الله تعالی

نمی شود .

- ۱ - محکوم علیه مریض ، در صورتیکه مرض او مانع از اجرای مجازات به شخص اوست .
  - ۲ - زنان حامله یا زنانی که تازه وضع حمل کرده اند تا سه ماه بعد از وضع حمل .
  - ۳ - زنانی که اطفال شیرخوار خود را شیر می دهند تا زمانی که طفل آنان به سن دو سال برسد ، در صورتیکه اجرای مجازات ضرری به طفل برساند .
  - ۴ - محکوم علیه فراری تا زمان دستگیری .
- تبصره - تعویق اجرای حکم در موارد فوق مانع تادیه ضرر و زیان و محکوم به مالی از مال محکوم علیه نخواهد بود .
- ماده ۲۸۲ - نحوه اجرای حکم اعدام مطابق آئین نامه ای است که توسط شورای عالی قضائی تهیه و تصویب خواهد شد .
- ماده ۲۸۳ - اشخاصیکه محکوم به زندان هستند با ذکر شماره حکم و دادگاه صادر کننده و میزان محکومیت به زندان معرفی می شوند .
- ماده ۲۸۴ - مدت کلیه حبسها از روزی شروع می شود که محکوم علیه بموجب حکم قطعی قابل اجراء محبوس شده باشد ، لیکن اگر محکوم علیه قبل از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده امر مطرح بوده بازداشت شده باشد ، مدت بازداشت قبلی باید در حکم تعزیری بعنوان تخفیف در مجازات ملحوظ گردد .
- ماده ۲۸۵ - طفل شیرخوار را از مادری که محکوم به حبس یا تبعید شده جدا نمی کنند مگر اینکه مادر بخواهد که طفل را به پدر یا اقربای دیگر بسپارد .
- ماده ۲۸۶ - محکومین به تبعید یا اقامت اجباری تحت نظارت و مراقبت مأمورین انتظامی به محل مربوط اعزام و تحت مراقبت خواهند بود . مراتب به دادسرای محل اطلاع داده می شود .
- ماده ۲۸۷ - اجرای حکم ضرر و زیان مدعی خصوصی که در ضمن حکم جزائی صادر شده به طریقی است که برای اجرای احکام حقوقی مقرر است ولی محکومیت به پرداخت دیده طبق مقررات مربوط به اجرای احکام جزائی و بدون تشریفات اجرای احکام حقوقی توسط دادسرا اجرا می شود .
- ماده ۲۸۸ - در صورت صدور حکم برائت متهم به تقاضای او باید بنحو مقتضی از متهم اعاده حیثیت شود .
- تبصره - در صورتیکه اعاده حیثیت مستلزم هزینه ای باشد به تشخیص دادستان باید به وسیله شاکی یا متهم و یا دولت پرداخت گردد .
- ماده ۲۸۹ - هزینه دادرسی در دادگاههای کیفری نسبت به مدعی خصوصی بنحو مقرر در قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی است ولی متهم در موقع شکایت از حکم ضرر

## بیتعالی

وزیان و سایر احکام و قرارهای دادگاههای کیفری از تادیه هزینه معاف است .  
هرگاه مدعی خصوصی متمکن نبوده و استطاعت تادیه هزینه دادرسی را نداشته باشد دادگاه می تواند باموافقت دادستان مدعی خصوصی را از تادیه هزینه دادرسی برای همان موضوعی که مورد ادعا است معاف نماید . تاخیر امر جزایی بعلت عدم تادیه هزینه دادرسی از ناحیه مدعی خصوصی جایز نیست و احراز عدم تمکن بنظر دادگاه است .  
ماده ۲۹۰ - اگر اولیاء دم صریحا و بدون قید و شرط از قصاص منصرف شوند و مطالبه دیه نمایند دادگاه حکم به پرداخت دیه مینماید و اولیاء حق عدول از دریافت دینه و مطالبه قصاص را ندارند .

ماده ۲۹۱ - در صورتیکه انصراف از قصاص در محضر دادگاه در مقابل دیه باشد قصاص ساقط می شود ، اعم از آنکه محکوم بعد از تادیه دیه امتناع کند و یا عدم پرداخت مستند به عسرت باشد .

ماده ۲۹۲ - در صورتیکه اولیاء دم به شرط دریافت دیه حاضر به انصراف از حق قصاص بشوند و جانی برای پرداخت دیه استمهال نماید و اولیاء دم نیز با این استمهال موافقت نمایند . استمهال پذیرفته می شود ، چنانچه پس از سرآمدن مهلت دیه پرداخت نشود اولیاء دم میتوانند قصاص کنند .

ماده ۲۹۳ - اگر برخی از اولیاء دم ، متقاضی قصاص و بعضی خواهان دیه باشند و متقاضیان قصاص برای پرداخت سهم دیه اولیائی که خواهان دیه هستند ، استمهال نمایند ، باموافقت متقاضیان دیه قصاص انجام می یابد و در مهلت معینه سهم دیه پرداخت می شود .

ماده ۲۹۴ - دادگاه در موارد زیر ضمن صدور حکم قصاص به منظور استیفای قصاص مهلت مناسبی به متقاضیان میدهد ، پس از انقضای مهلت مذکور تا زمان استیفای قصاص جانی آزاد می شود . مهلت مذکور نباید بنحوی باشد که عرفا مجازات دیگری محسوب گردد .

۱ - در مواردیکه اولیاء دم همگی حاضر نباشند .

۲ - هنگامیکه برخی از اولیاء دم متقاضی دیه هستند .

۳ - هنگامیکه استیفای قصاص متوقف بر پرداخت قسمتی از دیه است .

ماده ۲۹۵ - در صورت وجود صغیر در بین اولیاء دم چنانچه کبار ورثه متقاضی اجرای حکم قصاص باشند باید سهم صغار را از دیه پرداخت نمایند .

ماده ۲۹۶ - اگر بعضی از اولیاء دم صغیر باشند و کبار ورثه حاضر به پرداخت سهم صغار نباشند نمی توانند قصاص نمایند .

ماده ۲۹۷ - در صورتیکه کبار ورثه حاضر باشند برای اجرای حکم قصاص و یا تبدیل

## تعالیه

آن به دیه تا زمان بلوغ صغار صبر کنند اگر مدت طولانی باشد و خوف فرار جانی نباشد جانی تا زمان بلوغ صغار با اخذ تامین مناسب ، آزاد می شود .

ماده ۲۹۸ - در غیر قتل عمد در صورت عدم توافق طرفین نسبت به مقدار قیمت دیه موضوع تبصره ماده ۳ قانون دیات ، مقدار قیمت مذکور با رجوع به اهل خبره منطقه محل صدور حکم ، بر مبنای قیمت روز حکم ، تعیین می گردد . در مورد بهای دیه سه م صغار نیز به همین ترتیب عمل می شود .

ماده ۲۹۹ - مبداء مهلت پرداخت دیه در مورد قتل خطائی و شبه عمد تاریخ مرگ مجنی علیه و در مورد جنایت بر اعضا تاریخ وقوع جنایت و در مورد سرایت از زمان انتها آن خواهد بود .

ماده ۳۰۰ - مهلت طولانی مذکور در ماده ۱۰ قانون دیات بر حسب عرف و به تشخیص قاضی تعیین می شود .

ماده ۳۰۱ - در صورت تقاضای دیه چنانچه جانی معسر باشد ، با اخذ تامین مناسب از زندان آزاد می شود تا حسب مورد در مهلت معین و یا بر اساس قرار تقسیط دیه را پرداخت نماید .

ماده ۳۰۲ - چنانچه در هنگام اجرای حکم ، کسی که به پرداخت دیه محکوم شده است ادعای اعسار نماید دادسرا پرونده را به دادگاه صادر کننده حکم می فرستد تا به دعوی اعسار رسیدگی کند .

ماده ۳۰۳ - در صورت محکومیت عاقله به پرداخت دیه چنانچه از متهم تأمین گرفته شده باشد ، این تأمین مرتفع خواهد شد .

ماده ۳۰۴ - اگر محکوم به پرداخت دیه هنگام اجرای حکم دادگاه در مورد دیه از پرداخت آن امتناع نماید مطابق مقررات مربوط به مدیون ممتنع باوی رفتار می شود .  
ماده ۳۰۵ - جنونی که بعد از ارتکاب جنایت عارض شده باشد و همچنین بیماری مانع از اجرای قصاص نفس نمی باشد .

ماده ۳۰۶ - در صورتیکه قاتل بیش از یک زن مسلمان راکشته باشد و اولیا دم همگی خواهان قصاص باشند موضوع ماده ۶ قانون حدود و قصاص منتفی است .

ماده ۳۰۷ - در قصاص اطراف هرگاه قاضی مجری حکم ، پس از کسب نظر خبره اجرای حکم را به میزان مقرر در آن ، غیر مقدور بداند ، باید از اجرای آن جلوگیری کند و پرونده را جهت تعیین تکلیف به دادگاه صادر کننده حکم ارسال نماید .

ماده ۳۰۸ - اجرای قصاص اطراف نسبت به محکومان مریض ، با خوف صدمه اضافی بر مریض ، تارفع خوف به تعویق می افتد و چنانچه بیماری مادام العمر تشخیص داده شود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وامکان اجرای قصاص نباشد، قصاص به پیشنهاد دادسرا و با حکم دادگاه تبدیل به دیه می شود.

ماده ۳۰۹ - اجرای احکام قصاص باید با نظارت مرجع قضایی صالح انجام گیرد و بطور کلی اجرای احکام محاکم کیفری با دادسرا است.

ماده ۳۱۰ - هرگاه محکوم علیه در اثر بیماری یا ضعف بنیه قادر به تحمل مجازات تعزیری شلاق دفعه، واحد نباشد قاضی محکمه صادرکننده حکم میتواند حسب مورد دستور دهد اجرای حکم به تاخیر افتد و یا بطور متناوب اجرا گردد.

ماده ۳۱۱ - اگر بعد از صدور حکم تعزیری شلاق و قبل از اجرای حکم و یا در فاصله اجرای متناوب آن محکوم علیه مبتلا به بیماری غیر قابل علاج شود، بنحوی که عادتاً نتواند اجرای حکم را ولو بطور خفیف تحمل نماید دادگاه صادرکننده حکم می تواند به پیشنهاد دادسرا حکم رابه جزای نقدی یا حبس متناسب تبدیل کند.

ماده ۳۱۲ - در مواردیکه حکم تعزیری شلاق بصورت متناوب اجرا می شود قاضی مجری حکم میتواند در فواصل اجرای حکم، محکوم علیه را با اخذ تامین مناسب آزاد نماید. در صورتیکه قبلاً از محکوم علیه اخذ تامین شده باشد نیازی به تجدید آن نیست.

ماده ۳۱۳ - مرجع تشخیص در مورد خوف فرار و تبدیل قرار، با پیشنهاد دادسرا، دادگاه صادرکننده حکم است.

ماده ۳۱۴ - مشخصات تازیانه، نحوه زدن آن و موارد دیگر از این قبیل مطابق آئین نامه ای خواهد بود که به تصویب شورای عالی قضایی خواهد رسید.

بخش دوم - کیفیت اجرای حدود

ماده ۳۱۵ - هرگاه شخصی محکوم به چند حد شود اجرای آنها باید به ترتیبی باشد که هیچکدام از آنها زمینه دیگری را از بین نبرد، بنابراین اگر کسی به جلد و رجم محکوم شود اول باید حد جلد و بعد حد رجم را جاری ساخت.

ماده ۳۱۶ - هرگاه زناي شخصی که دارای شرایط احسان است با اقرار و ثابت شده باشد هنگام رجم اول، حاکم شرع سنگ میزند بعداً دیگران، و اگر زناي او به شهادت شهود ثابت شده باشد اول شهود سنگ میزنند بعداً حاکم و سپس دیگران.

ماده ۳۱۷ - مناسب است که حاکم شرع مردم را از زمان اجراء حد آگاه سازد و لازم است عده ای از مومنین که از سه نفر کمتر نباشند در حال اجرای حد حضور یابند.

ماده ۳۱۸ - مرد را هنگام رجم تا نزدیکی کمر و زن را تا نزدیکی سینه در جاله ای دفن می کنند آنگاه رجم می نمایند.



بسم الله الرحمن الرحيم

ماده ۳۱۹ - هرگاه کسی که محکوم به رجم است از چاله‌ای که در آن قرار گرفته فرار کند در صورتیکه زنای او به شهادت ثابت شده باشد برای اجرای حد برگردانده میشود ، اما اگر به اقرار خود اوثابت شده باشد و فرارش هم بعد از برخورد ولو یک سنگ باشد برگردانده نمی شود .

ماده ۳۲۰ - اگر کسی که محکوم به جلد باشد فرار کند در هر حال برای اجرای حد جلد برگردانده می شود .

ماده ۳۲۱ - بزرگی سنگ در رجم نباید به حدی باشد که با اصابت یک یا دو عدد شخص کشته شود همچنین کوچکی آن نباید به اندازه‌ای باشد که نام سنگ بر آن صدق نکند .

ماده ۳۲۲ - حاکم شرع میتواند در حق . . . وحق الناس به علم خود عمل کند و حد الهی را جاری نماید و لازم است مستند علم را ذکر کند ، اجرای حد در حق . . . متوقف به درخواست کسی نیست ولی در حق الناس اجراء حد موقوف به درخواست صاحب حق می باشد .

ماده ۳۲۳ - زنا در زمانهای متبرکه چون اعیاد مذهبی و رمضان و جمعه و مکانهای شریف چون مساجد علاوه بر حد موجب تعزیر است .

ماده ۳۲۴ - حضور شهود هنگام اجرای حد رجم لازم است ولی با غیبت آنان حد ساقط نمی شود حال آنکه با فرار آنها حد ساقط می شود .

ماده ۳۲۵ - حد جلد مرد زانی و نیز شارب مسکر باید ایستاده و در حالی اجراء گردد که پوشاکی جز ساتر عورت نداشته باشد . تازیانه به تمام بدن وی غیر از سر و صورت و عورت زده می شود تازیانه را به زن زانی و زنی که مسکر خورده است در حالی می زنند که زن نشسته و لباسهای او به بدنش بسته باشد .

تبصره - در حد قذف تازیانه بر روی لباس متعارف و بطور متوسط زده می شود و نباید به سرو صورت و عورت قذف کننده وارد گردد .

ماده ۳۲۶ - حد شارب مسکر وقتی جاری می شود که محکوم از حال مستی بیرون آمده باشد .

ماده ۳۲۷ - از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون قوانین زیر ملغی است .  
۱ - قانون آئین دادرسی کیفری مصوب شهریور ماه ۱۲۹۰ و اصلاحات و الحاقات آن .

۲ - مواد الحاقیه به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۲ مهر ماه ۱۳۱۲ با اصلاحات بعدی آن .

۳ - فصل ششم از قانون بقیه مواد لایحه اصلاح قسمتی از مواد قانون آئین دادرسی کیفری مصوب اول خرداد ماه ۱۳۳۷ راجع به محاکمه جزائی .



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

### تعلین

۴- مواد اضافه شده به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب اول مرداد ماه ۱۳۳۷ با اصلاحات بعدی آن .

۵- قانون راجع به تجویز دادرسی غیابی در امور جنائی مصوب دوم خرداد ۱۳۳۹

۶- مواد ۶-۷-۹-۱۸-۱۹-۲۲-۲۳-۲۴ و ۲۵ قانون اصلاح پاره‌ای از

قوانین دادگستری مصوب خرداد ماه ۱۳۵۶ .

۷- آن قسمت از قوانین دیگر که مغایر با این قانون باشد .

لایحه قانونی فوق مشتمل بر سیصد و بیست و هفت ماده و هفتاد و دو تبصره در جلسه

سه شنبه چهاردهم آبانماه یکهزار و سیصد و شصت و شش کمیسیون امور قضائی و حقوقی طبق

اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی تصویب و پنج سال مدت آزمایشی آن در جلسه علنی

روز یکشنبه بیست و دوم آذرماه یکهزار و سیصد و شصت و شش به تأیید مجلس شورای اسلامی

رسید . / ن

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی

اداره کل خزانه شورای نگهبان  
شماره ۱۰۲۷۳۰  
تاریخ ۸/۱۱/۱۳۶۶